

(۲۸ ج ۲ - ۱۷ جولائی)

از مخبر روتر از طهران خبر میدهد که سلطنت
اندلیحضرت سلطان احمد میرزای ولایت رسماً اعلان
شده است

در روزنامه طمس لندن در مقاله مخصوص خود
امید ظاهر نموده که سلطنت پادشاه جدید از پدر و
جدش برای ایران بهتر خواهد بود. اتفاق روس و
انگلیس در مساملات کنون ایران که خیلی نازک
بوده است و پای بندی آنها بهواد مفادده خیلی اهم
و ذقیقت است و برای آینده این اتحاد خیلی اسباب
اطمینان تواند گردید

بعد از ورود شاه در سارتخانه روس تراق
و سرباز در حلو ادساق او تبیین گردید و بیرق
دولتن روس و انگلیس را توام بر دروازه ادساق
وی نصب نمودند

(۲۹ ج ۲ - ۱۸ جولائی)

از مخبر روتر از طهران خبر میدهد که دولت روس
رسماً اعلان بجمیع دول تدبیر نموده در آن اظهار
داشته که مطابق اعلان چهارم جولائی که داده شده
که در امور داخله ایران بی طرف خواهد بود
با اینکه شاه بناهنده بسارت او شد دولت روس
تبیر در مسلك خود نداد

تأثیر عنصر غالب در سایر عناصر

(یا اناس علی دین ملوکهم)

تأثیر اخلاق و آداب و عادات و اوضاع و احوال
و دین عنصر غالب و خانواده سلطه در سایر عناصر
مملکت و رعایا و اصحاب عنصر ضعیف از نوری
اطهر من الشمس و این من الامس است. و ار شدت
ظهور و فرط آشکار بودنش بر بسیاری از مردم
مخفی مانده و پیوسته در مجالس و محافل عامه از عدم
تأثیرش سخن میرانند. و ادله (او من من بیت النکبوت)
بر مدعای باطل خویش اقامه مینمایند. و جمعی از عوام
ساده لوح را باین بیانات وادب از جاد' مستقیمه
منحرف ساختند

اگر در تواریخ ملک و دول عالم از مسلمین
و غیرهم دقت و بچشم حقیقت بین نظر نمایم و راه
راست انصاف را از دست ندهیم. خواهیم دید که کلیه
(اناس علی دین ملوکهم) و عموم این جمله برمیچرخد

کرول اسپاکوف از جانب تراقان بسرداران ملی
خواهش تقدیم شرایط صلح را نمود. سرداران ملی
جواب داده در صورتیکه خود را تسلیم نمانند
جانشان محفوظ و در امان تواند بود

(۲۶ ج ۲ - ۱۵ جولائی)

در تلگراف وارده از طهران عامر مبدارد که
شدت توب در شهر موقوف فقط زدو خورد با تنگ
بن ملتبان و دولتبان جاری است

در دیروز شام قشون شاه از دروازه شمال شرقی
حمله شدید بشر نموده ولی با خساره عظیم عقب
نشستند

در (سرادوردگری) و بر خارج انگلیس در
مجلس شورای انگلستان در جواب ارسوالی اظهار داشت
که تا کنون قشون روس را حکم نشده در پیشقدمی
بجانب طهران. ولی در قزوین آماده و مستعد اند.
اندر اندک دارد سلب امنیت از شیراز می شود.
دسته کوچکی از قشون انگلیس در بوشهر آماده
است که حین لزوم حرکت بد آنجا نماید

(۲۷ ج ۲ - ۱۶ جولائی)

در تلگراف امرور صبح حاکی است که شاه در
سارتخانه روس بناهنده شده است

از مخبر روتر از طهران خبر میدهد که کبسیون
مخصوصی از سارتخانه روس و انگلیس نزد سرداران
ملی فرستاده شده که رسماً بآنها اطلاع دهند که شاه
در سارت خانه روس بناهنده شده است

بموجب خبر مخصوص که ارسواحل خلیج به هند
سپیده از اشاعه واقعات طهران اتمشانی پیدا شده
ر شیراز بدبظمی بدرجه بالا گرفته که رشته
انتظامات یکدفعه از کف بیرون رفته

از تلگراف طهران ظامری می شود یک حکومت
حارصی برای انتظامات موقتی تحت امر سپهسالار اعظم
و سردار اسعد قائم شده است

امید می رود ولیدمد شاه که غیر بالغ است به
سلطنت ایران اعلان شود

در رؤسای ملی قبول نموده اند که بریکاد تراق
حمل اسلحه به نمایند و تحت امر کرول اسپاکوف
باشند که ازین و بعد زیر فرمان وزیر جنگ تازه
خواهد بود و مأمور شده اند که شهر را از اشرار
مسلح صاف نمایند

قابل نقض و تخصیص نیست ، و صدق مدعا را بخوبی آشکار میکند و برده خنا و ابهام از چهره این دستوی پرمیدارد ، و ابدأ شبهه برای احدی نمیگذارد

ضروریست که هر يك از افراد ملت و رعایا بالطبع میل تخبیب و دوستی را نزد سلطان خویش و عنصر صاحب سلطنت دارد ، و کمال جد و جهد را مبذول طریق تقرب و نزدیکی او میدارد . که شاید نزد حضرت سلطان خود و حکومت خویش مرضی و محبوب واقع شود ، و با ابداهت در اعمال و انوال و اوضاع خود بر وفق رضا و میل سلطان رفتار میکند ، و متعلق باخلاق و متؤدب باآداب و متؤدب باآداب او میشود ، خصوصاً حکام و ارباب مناصب و مامورین ، و معلومت که برور از منته این تخلق خلق و این تأدب ادب حقیقی ملت و افراد رعیت میگردد . و عادات خویش را بر طاق سببان و اخلاق خود را در زاویه فراموشی مینهد . بلکه دین و لسان عنصر غالب بالطبع در سایر عناصر من حیث لا یعلم تأثیر میکند ، چه دولت اسلام در قرون اوائل هیچکس را مجبور قبول دین حنیف اسلام نینمودند ، و در تمام فتوحات و نزوات امت مغلوبه را بخیر بن قبول اسلام و قبول جزیه میکردند بلکه در غالب بلاد حاکم را از خود اهل آن بلد منقوحه آیدین مینمودند ، و ابدأ جبر در اسلام آنها و قهر در نصب حکومت از مسلمین نبود ، مع هذا در مدة قلیلی کلمه (اشهد ان لا اله الا الله - و ان محمداً رسول الله) اغلب کرة زمین را فرا گرفت و فوج فوج مشرف بدین اسلام میشدند و این است الایحیه تأثیر عنصر غالب در سایر عناصر (اگرچه اسرار واقعیه خیلی دارد) ولی سبب ذمیمی همانست که عرض شد ، بدین سبب است که در امداد خارجیان دین و آئین هر ملت و قوم از دین و آئین عنصر غالب و خانواده سلطنت معلوم میگردد و نسبت دین آن ملت را بآن عنصر میدهند

قبل از سلطنت آل عثمان دین و شریعت سید المرسلین نسبت باعراب و ایوم بملاحظه دولت ابد مدت آل عثمان با تراث میدهند . در بعضی مقالات سپاسیدین خارجه بنظر رسیده که تأثیر از دین اسلام بدین الاتراک کرده ، در هر دو حال سببی جز آنکه عنصر حکومت اسلامی سابقاً عرب بودند و ایوم ترکند ندارد

دو عنصر خلفای راشدین که عنصر خلافت و

امامت بر وفق ناموس شریعت رفتار میکردند و دارای اخلاق و عادات و آداب دین حنیف اسلام بودند تمام عناصر دیگر از عرب و فرس و ترک و غیرها تابع همان رفتار و کردار بودند ، با وجود آنکه عنصر خلافت از عرب بلکه از قریش بود ، و در عصر سلاطین بنی امیه و بنی عباس که خلافت مبدل بسطانت و امامت بدل بشاهی شد و ائمه آداب و اخلاق شریعه را اردست دادند و در اوضاع و اخلاق تابع دول فرس شدند خصوصاً بنی عباس ، عناصر دیگر بالطبع تابع آنها و سلاک همان مسلک شدند و در عهد سلطنت صنویه مردم میل به نشر علوم و فضائل آل محمد و دوستی علماء و تصوف و درویشی کردند ، تریاً اندر الساطه ، که الی هذه ایوم در ایران بعضی از آنها باقی است بلکه تصوف و درویشی فعلاً از اعظم فضائل است بد از فتح امریکا و دخول اروپائیان در آن ادراف اهالی متوحش آنجا تماماً عادات و اخلاق و لسان و دین اروپا را اختیار کردند که فعلاً اروپای نانی است در جمیع خصال حی دیگر هم در نظر دارم . ولی خجالت و روسباهی مانع از ذکر آن است و آن اندلس است که آیه الاسلام بود . بتقلب اهل اسپانیا و حکومت ملکه (ایزابله) چندی نگذشت اختیاراً (حبراً نمیتوانم عرض کنم که چه میگویند که دول اروپا متمدن و کاری بدین کسی ندارند) تمام عناصر آنجا اسپان الوضیع و التحلق والدین والاسم و ایسان شدند . مساعد مبدل بکلیسا و صدای اذان بناقوس و تحان الرب بسته و آقابه مسیو و خام ایدام و کله توحید بنائیت و شار اسلام بصایب شد سلاطین والا مقام آل عثمان (ادام الباری کلمتم و اعلی محتمم) که ترکند و قریب هفتصد سال صاحب تاج و تخت این مملکت میباشد تمام عواید و اخلاق و لسان تبعه و رعایای آنها با آن شدت اختلاف عناصر دارای آن اخلاق و مزایا بلکه لسان گشتند . که الحال عنصر ترک در مملکت از اعنام عناصر بشار مآید . باوجود آنکه اصل عنصر ترک اینقدر نبود و فعلاً هم از ده نر يك نفر در اصل ترک نژاد نیستند ، ولی سبب همانست که عرض شد

مصر و جزایر و مراکش و قفقاز و هند را باطلاع خوانندگان محترم و ما بگذاریم و سوال مینمایم که ده راند و اخلاق و اعتقادات مسلمان در آن

بلاد و اهالی باقی است یاخیر، نگارنده بآن اطراف و بلاد نرفته، ولی از مجموعات و متررات حال آنها معلوم است و بخدا قسم که نه قلم توانائی تحریر و نه زبان قدرت تتریر بعضی از آنها را دارد، باز بگوئیم که عنصر غالب ابدأ تأثیر در عوائد و اخلاق و دین سایر عناصر نمیکند (عنا مذمه العقول و یا طهر الله البلاد من امثال هؤلاء الذین هم من الاعداء و ان كانوا فی زی الاصدقاء)

چرا دور افتادیم، ایرانیان خودمان اقوی شاهد است. اگر خوب دقت در احوالات خود مان بنمایم خواهیم دید که غیر از خوش گذرانی و خود پسندی و جهل و سرزهای لو برباد ده وزن عزیز خود در مکنون خاطرهم دیگری نداریم و ابدأ در صدد حفظ عز و استقلال مملکت و آزادی خود و تعلم علوم و معارف و تعمیر نیستیم، اخلاقان غیر از خوش گذرانی و خود پسندی و غرض شخصی و علوم مان غیر از فال و معرکه و مارگیری و درویشی و مرشدی و لواطی نیست، اگر احياناً در صدد تحصیل اخلاق حبه شریقه عقلمه برآمدمی فرنگی و بابی میشویم، یا در صدد تحصیل معارف شمیم غیر از دندان سازی که راجع بشکم است و عکس اندازی که راجع بخودسازی و آرایش است علم دیگری در نظر نداریم، و اگر احياناً ترقی کردیم لسان فرساوی یا انگریزی میخوانیم و اگر اتفاقاً از مدارس و مکاتب فارغ شدیم و تصدیق نامه در دست گرفتیم جناب دکتر و طیب قوسل بغداد، و صاحب علم استخراج معادن - رئیس تلگراف و پوستخانه و مهندس - رئیس تذکره خانه و منجم معلم لسان میگردد - خدا رحمت کند مرحوم پراس ملک خان را که خوب ما را شناخت

بلکه سایر عناصر متخلق باخلاق شخص سلطان میشوند و پیوسته بتبیر سلاطین اخلاق آنها مبدل میگردد، و این صفت را در کتب کلامیه از خواص سلاطین و لازم لاینک آنها گفته اند،

ولید ابن عبدالملک مبل بتعمیر و بنائی داشت، عناصر مملکت در زمان او تمام همشان را مصروف آن میکردند،

سلیمان ابن عبدالملک مبل بتعدد اطعمه و تکثیر الوان داشت، سایر مردم در زمان او افتخار باین صفت میکردند،

عمر ابن عبدالعزیز روش خدای راشدین را در دست داشت، تمام مردم همان طریق را سالک شدند، هرون الرشید مبل بعلوم ادبیه و اشعار و قصاید داشت، جمیع رعایا در صدد تحصیل آن برآمدند مامون مبل بکلام و حکمت و هندسه و حساب داشت، تبه او علی اختلافهم روی بهمان علوم نهادند و بسی کتب و رسایل نوشته و ترجمه کردند، و جم چنین حال سایر ملوک در جمیع ازمنه و حال رعایای آنها این تأثیر و آکتساب در فرض اختیار و عدم جبر است که بزور الزمان حاصل میگردد.

پس چگونه است حال عناصر صغینه و رعایای اسیره اگر مجبور باکتساب کشتند و ممنوع از اخلاق و آداب و عادات قومی و دینی خود شدند، و احوال ساده لوح را در مدارس و مکاتب آن عنصر داخل نمودند، و غیر از تدریس اخلاق و آداب و اوضاع و اعتقادات عنصر غالب چیز دیگری ندیده و نمیشوند، و ابدأ از علوم خود و دین خویش در آن مدارس و مکاتب یادی نمیشود، آیا قواعد دینه و عوائد قومیه و اخلاق ملیه آنها باقی میماند، و آن مکاتب و تدریس اثری و خللی در اعتقادات و اخلاق آنها نمیکند؟ بنزدانم تا جناب مستدل چه فرماید (ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم)

پس اگر نازل کنیم و فرض تمدن اهالی اروپا و عدم تدریس آنها بدین و آئین عناصر زیر دستشان بنایم (اگرچه خلاف واقع است) تأثیر مذکور و سرایت مزبوره بالطبع خواهد بود و من حیث لایعلم اکتساب خواهند کرد

(طبیعت لامحاله تأثیر خود را نمیکند) چه رسد باجبار و وا داشتن زیردستان بدین و اخلاق خود و انتشار دعاة در انحاء مملکت و التاء شبهات دراذعان عوام ساده لوح و قرآن مملکت و احتیاج شان دو امور معاشیه بآنها

مراسله قونسول دولت بهیه روسیه
(مقیم مشهد)

جناب مستناب اجل اصکرم دو - بار است از مکرم محترم آقای صدرالممالک تقریبائی آستان قدس دام اقباله العالی را زحمت انراست، با نهایت احترامات و انابه اظهار می نماید، نذر بدوستی و مراتب و دادی که آنجناب مستناب اجل با دوستار دارند خواهش

دوستار و جناب جلالتآب جنرال قونسول دولت انجمنه انگلیس این بود که برای نظم و امنیت مشهد که کایتاً از میان رفته است مذاکرات لازمه با آقایان مشهد بشود که بلکه انشاء الله پیش از این حالت حاضره امتداد پیدا نکند . بموجب مکتوب محترم آنجناب مستجاب آقایان در ملاقات بدر آورده بودند دوستدار بتوسط منشی اول جنرال قونسولگری به آقایان شهر پیغام داده خواهش امنیت شهر را نموده یکی از آقایان مذکور خواهش کرده بودند که کتباً ایستادگی اظهار شود لذا با نهایت احترام از جناب مستجاب احل عالی خواهش شد است مطاب مرتومه ذیل را بجنابان مستطابان شریفتمداران آقایان عنان شر ابلاغ فرمایند البته همه کس میداند که تریب یکصد سال است دولت پیوسته روس با دولت غلبه ایران متحد و دوست بوده و در همه مواضع لارمه کمک و معاونت از دولت روس بدولت ایران شده . و اتباع در فن با نهایت اتحاد و کمک و وداد با هم دیگر معامه و داد و ستد داشته اند . در این دو سه سال معلوم است که حالت مملکت بجز شکل شده تا عاقبت الامر کار بجان رسید که از کثرت هرج و مرج و بی نظمی و تاات شدید کثیره دولتین بهترین روس و انگلیس صلاح چنین دانسته که بتوسط وزرای مختار خودشان مفیم دربار ایران از امپراطور شاهنشاه رسماً مجدداً خواهش اعطای مشرویت نمودند و بی نظمی و هرج و مرج را ختم نمایند . وزرای مختار نیز چنانکه همه میدانند رسماً ارا امپراطور شاه اعطای مشرویت را خواسته . و امپراطور شاه نیز قبول فرموده . همان محو که مرحوم مظفرالدین شاه بدرشان مشرویت داده بودند بدون نقصان مرمت فرموده و عو عمومی معسرین بوقتی و آماده اشخاص که بخارج ایران رتعداد دستخط فرمودند و در همه بلاد ایران نیز اینخطاب اعلان و تگرائات تشکر از اراف با امپراطور شاه رسیده و در تبریز جرائان منصل کرده و متواتراً مال اتجاره و ارزاق ار روسیه بایران مبادید و میروند .

نظر بر مشروحات فوق در خراسان نیز مترقب و مأمول بود که تاسی بسایر بلاد جسته و با امپراطور شاهنشاه ایران تشکر نموده و بعد ها از هرگونه خدمتگذاری فرو گذاشت نشود نه اینکه حکومت و کار گذار و مامورین دولتی را قبول نمایند و شهر را

باین شکل که کلتاً بی نظم است و هرروزه یکی دو نفر مجروح یا مقتول میشود بخواهند حال شها به شها معلوم است که در هر محل شلیک رولور و تفنگ بی اندازه میشود و مردم را بخت مینمایند . حالت خارج شهر هم طوری شده است که در هیچ وقت این نحو نبوده . راه تبور و مرور بسته و مال اتجاره را از ترس سارقین و بی نظمی ممکن نیست که بیاورند یا ببرند .

بدر این ملاحظات دو ستار آقایان شهر را معطوف باین نکته میدارد که امتداد اینحال بهچوجه ممکن نیست و نمیتوان تحمل نمود . همه روزه احتمال وقوع هر نوع اتصالی سخت ناگوار میروند . و مسلم است مملکت که حاکم و سایر مامورین دولتی در آن یا نیستند یا اگر هستند کاری از کارند و دخل نیستند بهتر از این نباشد بلکه مؤکداً خواشند است پس از این راضی بهرج و مرج و ناامنی شده مردم را از این ترتیبات غیر صحیح مانع گردیده از امپراطور شاهنشاه ایران فرمانبرداری نموده انحراف را بزود خود سری دعوت نمایند این مطلب نیز محترماً به آقایان اعلام میشود . چنانچه این حالت امتداد پیدا بکند لابد و ناچار بجا خواهد رسید که محض اقامه نظم و امنیت از طرف جنرال قونسولگری اقدامات لازمه مهمه شود . زیاده زحمت ندارد . پیوسته احترامات فایده را تجدید میدارد . (کنجاز دابزا) - در حال امتحان -

در مراسم جنرال قونسول روس (که جنرال قونسول انگلیس را هم شامل نموده) اگر بدقت ملاحظیه شود دیده خواهد شد که اما در امور داخلی ایران تصرف بجا و موقع شده تهدید می نمایند اهالی آن ارض اندس را و همین که از جانب انجمن ایتالی حواب قانون داده شد بهبانه های (تنگ به پره) بر ماتبان شایب نموده دوبت شر از مسلمانان بیگانه را شبد کردند و متصدی آن اقدامات سنگ عالم تمدن گردیدند . اوجب بر همه این است که جنرال قونسول روس با وجود انجمن روسی ایتالی و اعلان مشرویت خود را با انجمن صرف ندانسته (یعنی انجمن را نمی شناسد) و مخاطب خود را اشخاص قرار میدهد و حکومت روسیه را بشرق دست به اهالی می تپولاند

بارها نوشته باز هم مینویسیم که روسیان سوبه

خراسان را برای خود بی تابع تر از سایر صوبه‌جات ایران تصور کرده تمام توجه خویش را بآن طرف معطوف داشته و مأمورین انگلیس هم با او به نرمی رفتار می‌نمایند

دولت روس دارد بذرایع پلنگی آتش فتنه را در تمام صوبه خراسان می‌انروزد. و حز سیدتان که از روی تقسیمات پلنگی در دایره نفوذ انگلیس درآمده است تمام صوبه خراسان را یک قلعه آتش نموده و عقرب است که بر قوای تشون خود بی‌نزاید

مقام منبع ریاست روحانی و سرداران ملی و جمیع افراد ایران راست که با شتاب باد و بری عطف توجه بجانب خراسان نموده نگذارند مستبدین خائن بش ازین بهانه بدست روسها دهند. مسئله طهران را فیصل شده باید داشت. امرور روس قبضه بر طهران را نخواهد (یعنی نتواند) مواع داخلی و خارجی آذربایجان هم برای روس بسیار است. خطه خراسان را برای خود سزیه بی مدعی دیده تمام توجهش بدان صوب معطوف است

ای ملت خراسان هوشیار باشید، آرام باشید، خرید بهانه روسیان مشوید، اجتناب را تا اذیمیان نکنید بخود راه مده اید، که در لباس دوستی در آمده از حرکات خود که بر ذوق دستورالعمل مدعی است بهانه بخارج، نداده دشمن را بر شما مسلط نه نمایند، چند یوم دیگر صبر کرده آرام گیرید که مجلس مقدس شورای ملی افتتاح شده جمیع نواقص رفع میگردد، نگذارید تیر از شصت وها شود که باز گرداندن آن بسی دشوار بلکه محال است، از تبریزیان غیور باداش سرعشق گیرید که صبر و سکون را از دست نداده با آن همه فشار روسیان نرمی اختیار کرده دارند کار خود را از پیش می‌برند، چنانچه حصه از تشون روس را با سلوک عادلانه از تبریز خارج ساخته و ما بقی را هم بیرون خواهند کرد، اگر چه حرکات روسیان در خروج و دخول تشون خود در (منچوریا) نمیگذارد که اطمینان قلب برای ما پیدا شود، ولی چون موقع پلنگی آذربایجان انقضای دیگر دارد امروز نه فردا روس مجبور است تشون خود را بیرون کشد، غرض این است که خراسانیان راست که از برادران غیور آذربایجانی خود سر مشق گرفته

نگذارند زیاده بر این بهانه بدست خارجه افتد ای علمایمان متبذ خراسان، به ترسید از روزی که درسیان سرتاپا تمدن بر این خاک پلنگ استیلا یافته اعتبار رن و دختران را از دستتان بگیرند، آیا راسی هستید که در محکمه پاپس زنان شهر را طلاق کوید و نتوانید جلو دختران خود را از رفتن شرای حاه بگیرید؟ تب بر این غیرت، اف بر این مسلمان

جواب انجمن ایالتی بحرال قوسل روس

(بهوان نوبت)

خدمت جناب مستداب اجل اکرم عالی آقای صدرالهاک متولی باشی آستان قدس دام اجلاله. از مناد رفته قوسول گری دولت بیبه رسیه بتاریخ نهم شهر حال بحساب مستداب اجل عالی نوشته بودند و دیورر با بحسب ایلقی مخبره فرموده بودید اصلاح حاصل آمد، امنای انجمن ایالتی در مقام زحمت بر آمده خواهشمند شدند که از خلاصه مذاکرات که در این باب در انجمن محترم بعمل آمد خوب است حار بوابوالا خیرا قوسول دولت بیبه روس را متخضر دارید. شایسته است که دولت متداین روس را انگلیس بمطاط همسایگی و مودت تدبیه همواره خیرخراه دولت و ملت ایران بوده و میباشد، و تنفیضی آنحالت مدوحه در اتلای مات و دولت ایران البته حتی الاتضاء موافقت داشته و خواهد داشت. و این مطلب نیز مسلم است که اوضاع حاضر ایران نتیجه تعدیل خیرا دار شورای ملی و نصب حقوق ملیه است که مدتی بحسارات دیده و تلمات آئینه برای ما ایراینها شد، و واضح است که اگر اعلیحضرت اقدس هیون سرآو - را بدستخطهای مدید خردسان بد از قسمها موافقت فرموده نحصولی - رد بودند و جراً من اوجوه تزلزل در قلوب عامه روی نیداد، حالا هم شخص محترم جنرال قوسول میداند که تلگرافنامه مرکزی زاد نیست. و اینها - رب با نفوذ هنوز در دربارند. شر - بران - پرده به بولکونیک باحرف است، ضدیت دولتپان را در ایجا عیاناً مشاهده میفرمایند -

بجهدالله تسالی در همه تماک محرومه ایران نبعه خارجه متمساز و از هرگونه عزت و احترام بهره مندپسا داشته و دارند، و خاطره

و آمیزش رعایای داخله هم با آنها در اعلی درجه
 یگانگی و مواسات است. در معابر نیز اقدامات لازمه
 در اكمال امنیت منظور شده و خواهد شد، در اروپا
 و سایر ناطق عالم نیز معلوم است که حالی از مردمان
 ضرور نبرده و نیست. و یتن است هر حاکم و مأموری
 که سرآ و جبراً مخیل مشروءیت نباشد ملت و جماعت
 چنانکه رسم عالم است او را بخواهند البته مقبول بوده
 است و خواهد بود. فقط میباید چنانکه مامورین محترمین
 دولتین برین روس و انگلیس در لایحه تقدیمیه مورخه
 غره ربیع الثانی خود ایراد کرده اند معناً و صورثاً
 بتصویب مجلس شورای ملی رفتار بشود نه مخالف آن.
 و اما آن قدریکه راجع باظهار تشکر از برای استقرار
 مشروطیت و جراحان و فرمان برداری از امیرحضرت
 شاه ایران و بذیرائی حاکم و کار گذار و یره و یره
 میباشد اینها از مختصات حقوق ملی ما ایرابها است
 و لایعیر. اهالی هر ایالت با اقتضای وقت و رعایت حفظ
 حقوق خود هر اقدامی را که لازم بدانند خواهند کرد.
 پس در این مواد آنچه جواب مستطاب عالی میتوانید
 برای آسودگی و امنیت خادر نواب والا حوال
 قوسلگری دولت بریه روسیه یاد آور شوید. این است
 که بموجب حقوق حاصله از قوانین اساسیه این مملکت
 همان اجین ایالتی و اجین بلدی که قبل از انفصال
 سارالشورای کبری منقذ بود مجدداً در ارض اقدس
 مستقر شده. اولی سلارت نامه در امور راجعه بکایه
 این ایالت و دویمی سر برتن کلامه با مور راجعه باین
 شهر دارد. و در هر مورد که بی نظمی یا امتناس
 روی دهد که نفوس یا اموال رعایای دولت بریه روسیه
 در مخارات باشد و مامورین مسئول ملی برای حفظ
 استقامت لازمه کاری نباشند اخطار نمایند. که این هر دو
 قوای متخبه از طرف ملت با اقتضای حقوقی که قانون
 اساسی مملکت بآنها میدهد در مقام جلوگیری برآمده
 بوسایل مقتضیه اسباب امنیت و آسودن رعایای دولت
 بریه را فراهم بیاورند

عدم مداخله در داخله مع ندارد

بداعت نظر مینگوید. و تنبکه همه سیاسيون انلم
 و جین دیپلماتهای عاشق اصلاح، اقتضای ذمیت را
 که همیت، ضمیمه را مقهور قوی و کوچک را مغلوب
 بزرگ میخواهد احساس کردند و دیدند دولیکه از
 اقوام مختلفه اولاد آدم تشکیل یافته بواسطه حرص

جهان پرايه کونی آنها قهرآ بحتوق یکدیگر آمدی و
 دست درازی نموده موجبات بی نظمی و هرج و مرج
 قابل دنیا فراهم میکنند

محض حفظ استقلال ضما و عدم تراحم او یا قوا این
 بن الدول را هزار خون دل در کتیره وحدت پلتهک
 دنیا وضع و تدوین نمودند. و بی از مواد آنرا (عدم
 مداخله در داخله) قرار دادند. یعنی باستانی مواردیکه
 قانون زمین میبکد هیچ دولتی حق مداخله در داخله
 دولتی اشمن از خود ندارد و تاکنون بروت همین
 موازنه پلتهکی یک دولت خیل محتر با کمال قدرت
 میتوانست در پرايه دولت مظمه زردست عالم زندگی کند
 در این اواخر دولت بریه روس که نمدار صلح
 عمومی است مشمولیت دولت و ملت و نزاع خانگی
 ما را که فقط محض استرداد حقوق منسوبه است فرصت
 شرده بی ملاحظه با اقدامات ستمکارانه جمعیت حواس
 ما را بریشان و در داخله وطن ما مداخله کرده. و
 این اصل اصل را که روح نوانین مردوعه دنیا. و
 مدار حفظ حیات بشری است نقض و ناطل نمود. یعنی
 دولت روس در صحنه تاریخ قرن بیستم بخون ایرانی
 نوشت. که (عدم مداخله در داخله معنی ندارد)

در اینجا بعد از اینکه صدیق تاه سترای دول
 مظمه در محظرت بودن حقوق جان و مال آماج خارجه
 خصوصاً در اماکن شررشی و اسلاب بر محق بودن ما
 گواهی دل است با قدرت ختارت اقدامات ستمکارانه
 خلاف قانونی همجوار محبوب خود را با کمال شدت
 اتراض و برونت میکنیم

چه هیچ شایسته نبود که همجوار شمالی در وض
 مساعنت مقاصد حقه ملت مظلوم و جلب قلوب اولاد
 ایران باین یش آمدهای ناگوار جهان مدیریت را
 بدنام و خویش را منظور دار مسلمین عموماً و ایرانی
 نژاد خصوصاً بناید. زیرا بدینی است رو کردانی ملت
 ایران از دولت روس متضمن طهات پلتهکی و اقتصادی
 خواهد بود. مثلاً با نرض اگر بمقاومات دفاعی مقتدر
 نباشیم. اقلاً میتوانیم بتوسط احکام روسای روحان تجار
 مسلمین حرمت امام و به ملت اسلام عدم جواز صرف
 امتنه روسی تکلیف کنیم

گذشته ازینها در صورتیکه همجوار محبوب ما
 سالها است از ایران و ایرانی نژاد منابع اقتصادی برده
 در صورتیکه ملت آزادی خواه روسی مدتها است

با مادر دولت میزند ، و در صورتیکه ملل حق پرست دنیا مظلومیت ما را در نظر گرفته و با کمک و معاونت مینمایند ، هیچ مقتضی نبود که همسایه شمالی بدون و اعمه از سوء عاقبت انصاف را شهید کرده حاضر شود که ما را با قوه خارجی بدست استبداد بسپارد

ملت ایران یکسال کامل است برای استرداد حقوق منصوبه خود رسماً جوانها را در میدان جهاد آزادی فدای استقلال وطن میکند ، و خونهای پاک را که از زمان دیرباز برای چند روزی تهیه دیده محض ترمیم قانون اساسی که از رف دولت جبره نص شده زیت در و دیوار و دهن مینماید . همجوار شمالی این مواضع حقوقی را زرد و خورد آشوب طایفه قلمداد کرده ناامراً باسم حفظ اتباع خارجه و بادناً برای اجرای مقاصد سیه هیت استبدادی . یعنی متاورین حوزه اناسیت ، عده قراور را بسرحد وطن ما داخل نموده است . اعراب میگویند (زاد فی الطنبور بعه اخری) زیرا گذشته ازینکه باین اجحافات عالمسوز امور دنیا ما ابدآ روی اصلاح نمی بیند کار دینی نیز دچار اختلال و بقانون اسلام جهاد مذهبی واجب فوری خواهد شد

و طرح مسئله جهاد پیش آمدهای هونک را با مری میکند ، چه احتمال قریب به یقین میدهیم که ذیبت عالم یک اشکال غیرالاحتمالی را تحمل ذمه بریت نماید . زیرا هنگامیکه تکلیف مذهبی و یاسای دیانی اسلام سیصد ملیون نفوس مسلم را بجهاد اکبر دعوت کرد ، گذشته از ضرورت اختلال اداره متذنبین مملک اسلامی بملاحظه جامعه اسلامیت ایران - عثمانی - افغان - قفقاز - مصر - هند - و . و . و (کنس واحد) از قیام بودائیت دینی و دیانت شاری مکلف و ملجاء خواهند بود . و علاوه اینکه اتحاد مملکت و علقه منوی با ترکیه که اضطراراً دولت فخریمه آسان را از استمهال قوی ناگزیر میکند ، شدت مرابطات طیبی پلتهکی و اقتصادی و مناسبت مشریت قهرآ ملل فرد پوست ترق اتمی را بدخالت مجبور مینماید . آنوقت ممکن است در تحت لوای شرقی یا آسپائی عاقبت کار بیک حرب عمومی و جنگ عالم گیری منتهی شود . که جز بانفراض نسل آدمیزاد خاتمه نگیرد

ما این بملاحظتی همجوار شمالی را بعرض عالم متمدن رسانیده اطلاع میدهیم اولاً احضار شدن قزاق روسی و بیطرفی اختیار نمودن دولت حق شناس روس

تنظیم امور دینی و دنیا ما را تمهید میکند ، نایب نام دول معظمه خادار نشان میکنیم که صدمه نس قانون نمودن دولت روس بمعوم دول حتمی و سکوت عالم متمدن در اینورد شرکت جنایات ترن بیستم را میرساند

(۱۱ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۷)

خدمت جنابان عظام آقایان اجزاء محرم انجمن ولایت بوشهر دامت توفیقاً بهم - در این مدت انقلاب و اوقات آشوب ایران بواسطه مسدودیت ذرق و شوارع و انقطاع وسائل مخابرات و مکاتبات و اشتغال و انسام حراس از امتداد و رشته مراسلات متکلی بوده و نتوانستیم ایم مستقیماً بواسطه پست و ذیره آنها و دشمنان عزیز را از کینیت حالات و اوضاع مملکتی مستحضر داشته و مقاصد خودمانرا معلوم بداریم . حالآنکه بحمدالله راه مراسلات مکشوف است وقت را ممتن شمرده و بمقام مزاحمت برآمده و از رودادن نعمت غیر مترقبه و استقرار اساس مشرودیت اولاً آن سالکن ، ریته اسایت و تمدن را تبریک میگوئیم

نایب خادار آنجنابان را از یاره نکات مبرمه و رموز پلتهکی درباریان مطلع و مستحضر میدهیم . که اگرچه صاهرآ با اعاده مشروطه ترك مخالفت خودشان را با ملت اظهار مینمایند ، لکن از علائم و آثار فعلی و عملی ایشان چنان استنباط میشود که هنوز دو تپان خان از مکیدن خون مشتی ملت مظلوم مفصر بالحقوق سیر شده و باز در خیال تجدید (پروگرام) پارساله و از روختن آتش فتنه و فساد بوده و میخواهند رنگ دیگری بر آب بزنند . و حقوق مله را آبر بکی و باره هم نتوانند ضایع و باذل نمایند لا محاله مشوب و ناسد نمایند ، و اشخاص بد فطرت خائن را که نخبث باطن و سوء نیت مروف بوده و طرفدار اساس منجوسه استبداد هستند بروی کار کشیده و استبداد و مقاصد فاسده خودرا در کسوت مشروطه احراء نموده و ملت مظلوم را دوباره دجر بدبختی و فلات نمایند ، در این مدت یکماه که با اعلان اعاده مشرودیت و عفو عمومی ایالات و ولایات را اسکات نمود ، و امپدوار داشتهاند ، اتصالاً بواسطه مخابرات ناآران با هیئت وزراء در مذاکرات لازمه بوده و آنچه از مایب کار و دردهای پیدرمان این مملکت خراب که یازده ماهگرتار تمذیات انحرار و در تحت فشار طدمات

و لطافت قوی الطافه بوده است گفته و طلب علاج نوری
 مینمایم. همه را بلطائف الحبل و جوابهای ملائمت آمیز
 ما را مشغول داشته و ابداً مساعدت فعلی و عملی نشان
 نمیدهند، و گویا ابداً در صدد اصلاح کار نیستند، در
 این مدت بیست سی روزه که تلگرافاً مشغول مذاکرات
 حضوری و غیر حضوری شده ایم روزی نبوده است
 که در خصوص تهیه حکومت و اصلاح امور مالیه
 مملکت و جبران سایر نواقص و جمع آوری رشته امور
 از هم پاشیده تا یکدخمایم و اصرار در انجام مقاصد
 نکنیم، هنوز نتیجه مرتب نشده و اتمام در استعلاج
 نشده است، در تهیه حکومت که باوجود مهربانهای
 ظرفی امروز از اهم مقاصد و اولین دواهای امراض
 مملکت است تاکنون باهت و لعل ندرآمده، و
 اگر هم جواب مسکتی بدهند کسی را مری نموده اند
 که از مخربین اساس مشروع مقدس و ماحی مقاصد
 ملیه بوده است، و در این صورت تصور فرمایید چه
 موافقتی با ملت مظلوم دارد و چگونه راجحه اصلاح
 باطنی و نیت فاسده ایشانرا استشمام میتوان کرد
 که از طریق ما را دچار زحمت و اندیشه های کوناگون
 نموده و هر روز بنواں مداخله در امورات داخله
 مملکت نموده و هر ساعت در خیال اردیاد نفوذ و
 تجاوزات مهمان روسی هم سرایت مقتضیات بوقتی خود
 هستند، گاهی بنواں نزع سلاح و ترک اسلحه از ملت،
 گاهی بنواں تأمینات شهری و گاه بنواں مطابقت فارت
 متعرض شده و خیالات فاسده خود را کید شاه احرا
 مینمایند، هر چه داد میزنیم و تحفظات ایشانرا از حدود
 خود بدر باربان بیدین اظهار مبداریم نتیجه جز ایسکه با
 مقامات لازم و دربار پترربورج در سؤال و جواب
 هستیم حاصل نمیتوانیم کرد، و اینها هم آناً و قاناً در
 تشدد و بسوء رفتار خودشان مپازایند، و بجائتا که
 با تدابیر عملی و قوای فکری و عقلی در صدد سد نفوذ
 و دفع شر آنها بوده و از تشبثات لازمه کوتاهی نمی
 ورزیم، تا خداوند بیاری و نضل بی پایان خود خانت
 امور را بنخیر و خرب مبدل فرماید، و این ملت مظلوم
 را از تحت فشار و نیرنگهای حربی تیره باطن
 استخلاص دهد،

مقصود از این عرض و جسارت این است که جنابان
 عالی نیز ملتنت نقشه کار و حرکت درباریان و این

ایشانرا مخورده و استعجابات قوای روس
 امر و اطمینان کامل از دست نیافته و هر چه
 سازی ایشان نگردید، و عو مطالبه مقاصد خود
 به تنبلی و تماطل مائل نباشید، تا برون الله تعالی مواظبت
 نموی شان آشکارا معلوم گردد و مقاصد ملی کاملاً
 تحصیل شود، هم روزی مقصد وصول مکاتبات و اظهار
 لازمه از موطنان هستیم، و پس از این هم مطالبه
 آغازه و مجاری حالات را اطلاع خواهیم داد، و زیاد
 زحمت نداریم (انجمن ایالتی آذربایجان)
 اجتهادات و غیر قانونیهائیکه قشون

از روزیکه قشون روس برخلاف میل
 ملت و هراوع اعتراضات انجمن ایالتی و ملت
 برای جلوگیری آنها از سرحد جفا گذشته
 بی فاعده گهای زیاد و تجاوزات کثیره در این ولایت
 کرده حتی برخلاف قول و تعهدات خودشان
 از حیثیت عدم مداخله بامورات داخله و حسن
 رفتار با اهالی و دادن قیمت معاملات بازاری
 بموجب مراسله روسی جنرال قونسلگری روس
 مورخه نهم شهر ربیع الثانی رفتار کرده اند و ذیلاً
 تجاوزات غیر حقه آنها را با کمال دقت و
 صحت خالی از ذره مبالغه و اغراق با ضمانت
 اثبات برای اطلاع عالم تمدن مینگارد

(۱) بر سه نفر نمایندگان انجمن ایالتی که برای
 تحقیقات علت دخول قشون روس بخاک ایران
 و خواستن یک مهلت برای نتیجه مذاکرات
 انجمن با طهران که شاید محتاج به باز کردن راه
 با قوه نظامی روس نشود، روز ۴ شهر ربیع الثانی
 به قونسل خانه انگلیس رفته بودند قونسل روس
 پیش قونسل انگلیس قول داده بود که قشون
 بشهر وارد نخواهد شد، باوجود این روز بعد
 ورود قریب خویست نفر بدون هیچ عیب و
 هانه داخل شهر شدند

تهدید بقتل نموده‌اند

(۸) سالدانها بعض روزها در کوچه‌های

شهر و بعض محله‌های خیاب دور که هیچ ربطی بگذرگاه آنها و یا نشیمن اروپائیان ندارد میکردند، مثل محله آقا جان آباد و غیره

(۹) در شب یستم ربیع‌الثانی باطبول و

کردی سالدانها بدسته‌های بزرگ در کوچه‌های محله ارمنستان با فانس انگریزی میکشند با آنکه نظیبه‌های ریاد شهر در آن محله موجود است (۱۰) سالدانها در رد شدن از کوچه و

بارار هرجا بدکان بقالی و خشکباری و غیره که میرسند گاهی از ماکولات برداشته و قابیده و میخورند، مثل دکان حسین بقال پسر کربلائی تقی در محله مهباد مهین و غیره

(۱۱) روز بیست و ششم ربیع‌الثانی

قراقهای روس اسپهای خود را با يك عراده از طرف قبرستان کحل چنان میدوایند که يك پیر مرد لالی را بزمن انداخته، در زیر پای اسب گذاشتند آن بیچاره را نحوی به مریض خانه بردند و حالا در حال نزع است، اسم لال محمد علی پسر آقا علی بك است

(۱۲) روز بیست چهارم ربیع‌الثانی

سالدانها بموجب حکم ژنرال ه محله خیابان آمده و سف کشیده و بالای بامها رنه و توب بالای نام ناوا خانه مقابل خانه باقر خان کتیده و دو توب دیگر در کوچه گذاشته شروع بخراب کردن سنگرها و استحکامات خیابان با دینامیت و کلنگ کرده و سیم تلگراف را هم در اثناء خراب کردن سنگرها پاره کردند

(۱۳) بموجب راپورت‌های نظیبه سالدانها در

کوچه و بارارها بدعاتها متعرض شده کلاه آنها را انداخته مسخره میکنند

(۱۴) قونسل روس بحکومت شهر مراسم

تیر اندازی، گذاشته و مبنای تیر اندازند و از این تیرها یکی بجای صادق ولد کربلائی باقر که از طرف قبرستان (کحل) رد میشد از گلو خورده و در آنجا مرده است

(۳) از ۲۵ و ۲۶ شهر ربیع‌الثانی باین

طرف بعضی از سالدانها با لباس غیر معمولی و بی تنگ بشکل ژاندارمها با قه و طابچه در در خانه ژرژ طیب و دم خانه قهه یکی و سر کچه مستشار و بعضی جاهای دیگر می ایستند و در کچه‌ها دیده میشد

(۴) در امیر خیز و راست کوچه سالدانها

بزنها متعرض شده تساب زنی را بلند کرده‌اند که در تبریز بشدت مخالف عادات است

(۵) در بیست و دوم ربیع‌الثانی از طرف

حکومت جار زدند که هرکس اسلحه دارد تا ظهر آن روز باید ترک کند و حمل نموده مسلحاً کسی بیرون نیاید، ولی يك ساعت و نیم بظهر مانده سالدانها در کوچه و بازار با کمال جبر و بی احترامی شروع بگرفتن اسلحه از مردم و جمع آن از دکا کین شدند

(۶) روز بیست دوم ربیع‌الثانی سالدانهای

روس شش قبضه تنگ و شش لوله طابچه و يك قبضه قه از سواران نظیبه که بعیت هیئت مصالحه مبعوثه از طرف انجمن و حکومت برای اسکات و اصلاح مرید و خوی و سلماس وارومی مامور و در در خانه انجمن حاضر حرکت بوده و انتظار هیئت را که برای ایفاء مراسم وداع بانجمن آمده بودند می کشیدند و سفارش نامهای متعدد از قونسولگری روس و ژنرال امناریسکی رئیس کل برای حمل اسلحه در راه داشتند در همان در انجمن گرفتند

(۷) در همان روز قریب یکصد فشنگ

بالی آقا سید محمد و يك قبضه تنگ دولول

در پترزبورغ دارند و مشارالیه از وزارت خارجه روس خواهش حمایت آنها را کرده در صورتیکه ابدأ خطری بر مال و جان مشارالیها ندرده و خود سفیر مزبور در تلگراف خود بانجمن انکار میکند و میگوید خواهشی در مسئله آذوقه و در ایام فحطی برای تدارک قوت لایموت بوده تاریخ مراسله ۲۴ ع ۲ (۱۵) ۲۳ شهریور ۲ بار قوسل روس بموجب یک مراسله رسمی اظهار رعایت از کس نویدالملک و اهل خانه آنها با دعای خواهش وزیر خارجه ایران که با نویدالملک بست دارد از سفارت روس در طهران نموده و حال آنکه خود سعدالدوله وزیر خارجه در جواب تلگراف استفساری انجمن در این باب صراحتاً اظهار میدارد که هیچ چیزی ندرده فقط مدتها پیش از این در وقت جنگ داخلی نوی تسهر این سفارت را نموده است و عین تلگراف وزیر خارجه در این باب حاضر است

(۱۶) ۲۴ ع ۲۴ جبرال قوسل روس بر حسب مراسله رسمی خود بحکومت تسهر اظهار میدارد که حکومت تسهر و رؤسای ملی باید کمال مواظت را از حفظ و حمایت ساکین و متبیین قریه با سمج و عمت آباد و مهاجرین از تریز که در آن دو قریه که اولی یک سهتس عاید تبعه روس و در دومی باغ بیلاق قوسلگری واقع است اقامت دارند عمل آورده آنها را عموماً در حایت قوسلگری دانسته ابدأ متعرض نشده و نگهدارند کسی از شهر و اطراف مسلحاً بدان دو قریه بروند با تردد کنند و اگر از اهل آب دو قریه نیز مسلحین هستند نزع اسلحه نمایند و لا مستثنیات آن بعداً اولیای امور تسهر وارد خواهند شد

(۱۷) ۱۲-یت و پنجم ربیع الثانی جبرال قوسلگری روس بموجب مراسله رسمی خودش بحکومت از مهمات و ذخیره و قورخانه دواتی حساب میخواست، بدین طریق که پس از آنکه

تا یکد در تخریب تمام سنگرهای شهر میکند و استفسار مینماید که آیا همه خراب شده یا تنه باقی مانده است رسماً سؤال میکند که آیا توپها را بارک نقل نموده اند و در صورتیکه بارک بوده اند چند عمراده بوده است

(۱۸) روز پنجشنبه ۲۲ ع ۲ سالداتنا خود بخود بدون اخبار بحکومت شهر و اداره نظمی و قوسلگری روس شروع بکشیدن تفون از اردوی پل آچی به قونساخانه روس کرده و در اثنا تفون کشیدن حرکات خیلی بی قاعده آورده و نردان برداشته بام خانهای مسلمانها رفته زن و بچهها را ترسانیده و به پشت بام هر کس که در سر راه بوده آمده و ستونها نصب کردند

(۱۹) روز ۲۲ ع ۲ یکی از افسران روسی با چند نفر سالدات بمارت وایمهدی که در خانه حکومتی و شمسنامه در آنجا هست رفته بروایت خود سرایدار باشی سر آیداران را از آجا بیرون کرده و بدر عمارت قتل زده تصاحب کرده اند، بعد از شکایت انجمن و حکومت دیگر کار را دنبال نکرده و عذر آورده اند که مقصود سیاحت آنها بود و چهار روز بعد از آن باز دو عدد شیر آورده بآب انبارهای عالی قاپو یعنی همان عمارت شاهی حواستند نصب کنند که اینها علامت تصرف است (۲۰) تب ۲۰ ماه با آنکه پیش از وقت قوسلگری قول داده بود که پیش از صد و هفتاد و سه فر سالدات که وارد شهر شدند دیگر وارد نخواهند شد و از طهران و از وزارت خارجه تلگراف بانجمن کردند که از پترزبورغ از سفارت ایران تلگراف رسیده که وارد تسهر نخواهد شد و باوجود اینها دویت و پنجاه فر سالدات مجدداً وارد شهر شده و

با وضع خیلی منظمی هورا کشان از بازارها و راههای غیر مستقیم بیاغ شایشال و باغ بانک رفتند (۲۱) قشون روس از روز ورود همه

کوچههای شهر حتی در بندهای تسهر عجلت

کشته و کچه‌ها را پیوده نقشه بر میدارند و اسباب وحش مردم شده و گاهی بعضی از درها را زده و متعرض مردم میشوند و باعث هول بزننها میکردند و با آنکه جبرال قونسل روس خود بانجمن ایالتی پیش قونسل انگلیس صراحتاً بموجب شکایت انجمن از این قره قول داده که دیگر نقشه کشی را موقوف دارند و باوجود این هنوز مشغولند

(۲۲) باوجود آنکه جبرال قونسل روس بموجب مراسله رسمی مورخه یازدهم ۲۴ بحکومت شهر نوشته شده بود که به ژنرال رئیس کل و سایر صاحب منصبان سپرده شده که منت اسم شب معمولی ولایتی شده و شبها بی اسم شب حرکت نکنند و زلزله نیز تردد آنها را قدغن کرده است و چون ممکن است شبها صاحب منصبان مهمل باشند خواهش کرده هرشب حکومت اسم شب را از اداره نظیه جبرال قونسلگری و بانک استراضی بدهند، با این همه قونسلگری مزبور در مراسله رسمی دیگر مورخه ۲۲ ۲۴ بحکومت تاکیداً مطالبه کرده دو اسم شب از صاحب منصب و افراد قضای مطالبه نکرده و اصرار میکند که شبها درب دروازه‌ها را باز بگذارند که در تردد برای ایشان اشکالی فراهم نیاید

(۲۳) جبرال قونسلگری روس بموجب مراسله رسمی خود مورخه ۲۲ ۲۴ از حکومت شهر مطالبه مینماید که در بازارها و معابر راه تردد را باعالی نظامی روس کاملاً و تماماً مفتوح دارند یعنی همه مردم و کسبه از سر رهگذر کنار شوند تا سالدات رد شود

(۲۴) قشون روس هرچند روز یک مرتبه کوجه‌ها را کشته و بهشت نظامی نقشه سرایان تابش میکنند و گاهی توب هم با خود بر میدارند و حرکت میدهند و در هر قطعه از نلساط بهجور شهر دیده میشوند وعده از قشون را

مرتبه عوض کرده و در جاهای مختلف شهر بطور کشیک میگذارند که همه اردو همه جای شهر را بشناسند

(۲۵) ۲۶ ۲۴ از سالدات‌ها در در خانه نقه الاملام تا ساعت سه از شب رفته ایستاده و عابرین را تفتیش و جیب و بغلشان را میکشند (۲۶) در دهم ۲۴ سالدات بحکم افسر روسی پلس و نظیه‌های حکومت شهر را که در این سمت پل‌آچی داخل بشهر تندند طرف اردو مشغول محافظت بودند از آنجا طرد کرده و با آنکه بنابر رفتار اولی‌شان تفنگچی‌های شهر را از پل تا طرف نمیگذاشتند، بالاخره کار را بجائی رساندند که در ۱۸ ۲۴ سواران شمر را که باتفاق حکومت و رؤسای ملت برای مشایعت و بدرقه یکی از درنگها رفته بودند از کنار پل‌آچی تا قریب دویست قدم عقب برگرداندند (۲۷) هرزه‌گیا و حرکت بی‌قائده آنها مثل تعرض بزننها و بلند کردن دتاب آنها پیش روی نظیه‌ها و تهبیح ایشان در محله مهباد مهین و گرفتن چیزها از کسبه و پول ندادن و داخل شدن بخانه‌ها سر زده مثل خا (وارتا نیاس) ارمی و زدن درهای خانه‌ها مثل در سلیمان خان تگرافچی و زدن بچه مکبی و رام نام شاگرد مدرسه لیل آباد را با تگ و فحش دادن به مترددین و مانع شدن از عبور و مرور مترددین که در یک روز مکرراً از جلو خانه و منازل آنها رد میشوند و متعرض شدن باشخاص که دارای مدال افتخار در مجاهدات هستند و غیره و غیره

(۲۸) باوجود آنکه امتیاز تفون تبریز از طرف دولت مدتها با یک کپانی ایرانی است بدون اجازه آن اداره تفونها از منازل نظامیان روس به قونسل خانه و غیره تلفونها کشیده و بدون اجازه صاحب امتیاز در همان ستونهای کپانی فنجانها نصب کرده و سم کشیده و در آن

اسباب ضرر ایشان شده و علاوه جنرال
قونسلگری روس بموجب مراسله رسمی مورخه
۲۲ ۲۴ بحکومت اظهار میدارد که چون این
چند رشته سیم در تحت محافظه قراولان روس
هستند مقرر دارید کمال مراقبت را در حفظ
سیمها از تعرض بناد

(۲۹) ۲۷ ۲۴ غلام نام عامیه تراول کرچه
مستشار را سالداتهای در خانه (کلوب)
روسی تهدید کرده و غرض قتلش را کرده اند
که نباید از این کرچه رد شوی

(۳۰) ۲۸ ۲۴ یکی از قراولان ارك
بالای ارك بدون سلاح برای نگاه کردن باطراف
ارک رفته همان ساعت افسر روس ساکن خانه
کلوب روس غزم تیر رفتن او را کرده
و بعد سالدات یتس نایب محمد حسین کبیر محله
فرستاده که اگر دفعه دیگر آنجا کسی دیده
شود میزیم

(۳۱) روز ۱۶ ۲۴ دو نفر صاحب منصب
و یک سالدات روسی ارك دولتی بدون اجازه
وارد شده به توپها نگاه کرده یکی از توپهای
دولتی تف انداخته

(۳۲) سالداتهای ساکن خانه بصیر الاطنه
از بام خانه بهرل همسایه افتاده از خانه آرمناق
و آرتایاس شباه ۱۹ عدد چوب رسمی برای
مو برده اند

(۳۳) در حادثه شب ۱۹ که قراول
روسی بالای بام در تاریکی شدید از دست
مجروح شده و قضیه مهم و ضارب مجبور
بود و احتمال آن بود که از خودشان تیر
حورده باشد مبلغ ده هزار تومان با یک اولیاموم
عدت چهل و هشت ساعت از شهر مطالبه نمودند
و بهزار زحمت به تقسیم از اهالی سه هزار
تومان از آن جمع کرده و داده اند

(۳۴) تحریک تبعه روس باجاره و تامین
املاک دارائی ملاکین مثل امام جله فراری
شهر و سایرین

(۳۵) سالداتهای روسی يك قطعه زمین
و دو باب مغازه متعلقه بحاجی احمد آقا خامنه
را غصب و تصرفات غاصبانه در آن کرده و
خوردن بنا نموده اند و علت بیکار ماندن
اراضی و سایر املاک مشارالیه شدند که کسی
بجمله آنها جرأت اجاره نمیکند

(۳۶) ج ۱ - یوسف نام حکم آبادی نایب
نظمیه با حسین نام حرفشان شده، حسین يك کوله
خالی نموده نایب یوسف هم بقصد گرفتاری او
محرم نموده و چند کوله خالی کرده یوسف را
با حسین حاضر حکومت و تنصیر هر دو را
تابت بعد از توبخ آنتی در میان آنها داده شده
و از یوسف التزام گرفته شد من بعد بخود
حسین و کسب و کار او تعرض نکنم و حسین
هم اسلحه بر ندارد، حسین نام قبل از وقت
معلم بود، از حکومت خارج یکسره رفته
بتونسلیگری روس آن شب در آنجا مانده فردای
امروز حسین را بردند باردوی روسها يك
شب هم آنها مانده صبح همان روز حسین بعنوان
بلدت با يك عده قشون و توب خانه محله حکم
آباد را محاصره کرده یوسف را با دوازده
نفر دستگیر و از طرف یوسف و آدمهای او
ابدأ بی قاعده کی و مساومت و کوله اندازی
نشده نایب یوسف را با سایر گرفتاریها برده در
اردو حبس نمودند، بعد اموال خانه نایب یوسف را
تماماً غارت نموده و خود خانه را بومباردمان
کرده تمام ویران نمودند، و خانهای همسایگان نایب
یوسف را بکلی غارت نمودند، تفنگهای هیجده
نفر نظمیه که در آن محله مستحفظ بودند گرفته
توقیف کردند و يك نفر مفتش میرزا احمدخان
نام یا نایب اکبر نام که برای تحقیق بآنجا رفته
بودند آنها را هم از آنجا بیرون کرده و تهدید
نموده اند که هرگاه روید با کایله میزیم، حاجی
محمود نام ریش سفید حکم آبادی که هفتاد سال
دارد با یوسف گرفته در اردو حبس نموده اند
(۳۷) ج ۱ حاجی شیخ علی امیر و امیر

یکی از کتبی موقی انجمن ایاتی بود زیاده
ز ده سال در نجف مانده و قرب هشت
سال در تبریز ساکن بود اورا بدون جبهه
در دم خانه بصیرالسلطنه که سالدهای روس
می نشیند گرفته با عنف کشیده در آنجا نگاه
داشته و فردای آنروز با کمال اقتضاح با جمعی
سالدهای روس بردند باردوی روس
(۳۸) ۱۲ ج ۱ یک نفر دلال که در زیر
اسب و عراده روسها خورد شده بود وفات
نمود از حکومت اطلاع دادند که از قونسگری
رفته معاینه نمایند تا عصر جنازه زمین ماند اعنا
نکردند

(۳۹) روز سه‌شنبه ۱۱ ج ۱ از حکومت
اطلاع دادند که هرچه اسلحه و قورخانه در
پیش‌مات است آورده تحویل اربک نمایند بموجب
همین حکم تدریجاً اسلحه را جمع آوری نموده
بارک می آورده - یک قره پنجاه عدد تنگ و
قدری فشنگ از محله مالاران می آورده در
صورتیکه نظیه در سر همان تنگها بود سالدها
گرفته توقیف نمودند - نظیه‌ها هم حرفی نگفته یک
قبض از سالدها گرفته آوردند

(۴۰) روز سه‌شنبه ۱۱ ج ۱ قورخانه از
امیر حیز حمل نموده بارک می آورده در محله
مهاده مهین سالدها گرفته توقیف نمایند ، و هکذا
در تمام جزئیات و کایات امورات مداخله و
بلکه حکومت نمایند - مثلاً بعض اشخاص صاحبان
قریه مستخدمین آنها و حکام جزء و کمان آنها
که می خواهند بدهات خودشان با بحکومت بعض
جاها بروند - مثل مرند و ارواق و ازاب ، از
حمل اسلحه آنها هم مانع میشوند و اگر بگویند
که بدون قوه حکومت نمیشود یا بعض جاها را
بدون قوت و اسلحه حفظ غیرممکن است ، جوابا
میگویند اگر قوه می خواهید از قزاق برداشته بپسند
(۴۱) ۱۲ شهر ج ۱ سه چهار نفر سالدهات
در چوار قونسول خانه فرانسه به یک نفر زن

مشهور به پاپنوسچیر دوسال شربت اوغلی
است حسن آقا تاجر باشی سالدهات آورده گذاشته
دوسال من است

(۴۲) قزاقهای مستحفظین راه شوسه در
شجاع و جلغا بهسارین متعرض شده اشخاص
مفصله ذیل را نلت کرده اند
محمد تبریزی نند ۵ تومان ، ساعت نزه یک
دستگاه ، محمد ولد نجف ساک قریه مرخلور
۵ تومان ، حاجی مدد ولد تیج علی ساک قریه
باتموز آقا شش تومان

راپورت های اعضای اداره نظیه تبریز
(از اجحافات روسیان)

(راپورت نمره ۴ - ۳ ج ۱)

نسب یکشنبه ۳ ماه پنجساعت از شب رفته
میرزای قاسطور آمده از بازارچه مهاده مهین
عبور بکنند عباس طامیه از بوکر مشارالیه پرسیده
که اسم شب داری ، فوراً میرزا طامیه کشیده
که اسم شب این است در چند مرکز که نظیه
بود و اسم شب پرسیده اند همین طور جواب
داده و فحش هم گفته و اسم بوکر میرزا هم
نور محمد است سر نظیه مهاده مهین

(نمره ۳۶ - ۴ ج ۱)

اشخاص مفصله در ذیل تریر میکنند . در
ساعت شش از دسته گدسته یک نفر مترحم ارمی
با یک ذر افسر و سه هر سالدهات بدکان
تاوانی واقع دربار ارجه هفت کیل رسیده
در آنجا نان خریده بدکان اکبر مال آمده پنیر
حراسته اکبر قدری پنیر با حاقو - بده بافسر
داده افسر پنیر را گرفته کنی حورده باقی پنیر را
با حات تعمیر زمین رده با پاش مایده ، اکبر
گفت این حرکت بداست چرا مال مردم را
ضایع میکنی ، پسند نکردی دیگر ، افسر پنج شش
سبلی بسر و صورت اکبر زده رفتند

اسمعیل ولد کربلانی مهدی قهوه چی -
کربلانی ابراهیم ولد مشهدی اسمعیل قصاب -

ع، آقا ولد حاجی عطار - حسین ولد غلامعلی شاطر - اشخاص تقریر کننده همایکان اکبر بقال هستند اداره نظمیہ تبریز

(راپورت نمبر ۸)

۵ ج ۱ تقریر آقا حسن چلوپز ولد کربلائی تقی واقع در جلو بارار امیر مه تقر افسر آمدند نهار خواستند من گفتم که این جانی شود تنها خوراک بدهم بعد از سوال و جواب زیاد افسرها با ربان روسی بس فحش دادند بعد با چوب دست سه چهار مرتبه سر من زدند و اشخاص معصله ذیل هم تقریر نمودند که ماها افسرها را دیدیم که چند چوب سر چلوپز زدند

آقا قاسم ولد حاجی شیخ - صمد آقا ولد مرحوم حاجی شیخ - حاجی هادی حریر فروش - احمد بن فضل الله

۶ ج ۱ تقریرات حاجی محمد نام ساکن قریه (کل لوی اسپران) رعیت جناب ناظم الدوله بر این است امروز که روز چهارشنبه ۶ ج ۱ ازده هجریم آوردیم که در شهر فروشم از عقب سرم قراقهای روسی می آمدند یکدفعه دیدم اسب افسر مرا لکد کرد افتادم بعد مرا توی عراده خود شان گذاشتند بمریصخانه روسی آوردند جایهای رحم من بقرار ذیل است

کف جیب را اسب لکد کرده ، انگشت میاه دست چپ مرا لکد کرده ، بالای دماغ را لکد کرده ، پیشانی را از سه جا ریزه زخم کرده (امضاء آقا)

(راپورت نمبر ۳۱)

۱۱ ج ۱ تقریرات کربلائی رسول دلال و آقا مهدی دلال و غلام که یکدسته سالدات روسی از جلو دکان عبور میکردند و دو نفر ضعیفه از حکیم می آوردند یککفر از سالداتها رو بر ضعیفه را گرفته و گزته (ایلی اشنو) وضعیه بی حال شده و پیش دکان دلال قدری نشسته بعد رفته غلامحسین

(بقیه راپورت نمبر ۳۹)

ایضاً تقریرات حبیب آقا ولد حاجی صادق بادامچی که در اداره نظمیہ تقریر نموده - بنده در دم دکان اوجاقی سبزی فروش ایستاده بودم جمعی از سالداتها می آمدند دو نفر زن صالحه که در بغل یکی بچه بود در دم دکان دلال ایستاده بودند در عین گذشتن از سالداتها یککفر دست خود را بسینه زن دراز کرده زن از ترس با حالت لرز نشست قدری آرام شد بعد رفت غلامحسین

(راپورت نمبر ۳۲)

۱۳ ج ۱ تقریر ضعیفه فاطمه نام صبح در ساعت یک با دختر سه ساله خودم بخانه همشیره جناب اعتماد الدوله میرقم از جلو قبرستان الله بک عبور میکردم از پیش یکدسته سالدات روسی می آمدند وقت رسیدن پیش من سو زده همه خندیدند و یککفر از آنها بازوی مرا گرفته کشید دختر فریاد نمود مرا ول کرده رو بند را برداشته رفتند غلامحسین

(راپورت نمبر ۳۳)

۱۳ ج ۱ تقریر کربلائی حسین ساکن محله امیرخیز مشهور طلسمچی - روز چهارشنبه ۱۳ ج ۱ خاتون نام دختر مرحوم حاجی مطاب که دانی راده بنده است صبح جهت گرفتن نان از خانه خارج شده در صکوچه روسها که با عرابه سرعت میرفتند در محله امیرخیز نزدیکی انجمن حقیقت عرابه ضعیفه خورده ضعیفه افتاد عرابه از پشت او گذشت از پشت سر و بازوی و ساقهای ضعیفه رد شده و خورد کرده از آنها ضعیفه را اهل محله برداشتند بخانه آقا اسمعیل آدم جناب جلالآب شهبندر که برادر مادر من هم در آنجا می نشیند برده اند و تقریر اهل محله این بود روسها میخواستند ضعیفه را براه گذاشته بفرستگری ببرند نظمیہ ها نگذاشته بودند

(راپورت نمبر ۹)

۱۳ ج ۱ یکساعت قبل عرابه که روسپاسوار
بوده خیابان با سرعت حرکت نموده یک نفر زن
پیش خاتون در زیر عرابه ماده خورد شده
است احتمال دارد دو سه ساعت دیگر فوت
شود محض اطلاع عرض شد معینه ساکن این
محل است - سر نظیبه محله امیر خیر

(راپورت نمبر ۴)

شب جمعه ۱۶ ج ۱ چهار ساعت از شب
رفته هشت نفر سالدات به نظیبه و گرمه محله
دوچار میشوند که مسیر اسم شب می خواهد چون
اسم شب نداشتند نایب محمد حسین که مسیر سالدات
را از آنجا بیکه آمده بودند به همراهی خود شان
معاودت داده بر میگرددند فی تاریخ فوق
سر نظیبه محله ارمنستان

روز دوشنبه ۱۸ ح ۱ دو ساعت بدسته مانده
صبح جلو ارك يكصاحب منصب با سالدات تفك
و رندل بزرگ مال عالم اكبر نظیبه نمبر ۱۶
از دست نایب محمد حسن چرنداب گرفته برده
به كلوب خودشان - نایب حسن

(راپورت نمبر ۴۳)

نایب حسن به كلوب رفته سوال و جواب
کرده ایراد نموده که نظیبه مست نباید شود و
بطری در حجب است نایب حسن جواب گفته که
شما چرا مست ناشید جواب گفته که ما در حالت
نظام هستیم ما را عیب نیست

حقیقت و اوقات بوشهر

چند روز بود که مستر لولو مدیر كرك بنادر
بمزدوران بالاخبار میخواست تذکره بدهد و
مسافرین داخله بداخله را علم خبر این مزدوران
جاعتی از جاشوهای قیر بوشهرند، هر وقت چهارات
از بوشهر بصره و غیره میرود در همان چهارات تا
حدود بصره و عمره و سکویت و نظیبه و مسقط
میروند، چون در نقل و تحویل بار جهاز بد ملولا و
تسلط بوقی الساده دارند با علم تر و بانساط تر از غربها

به بصره میبرند هر سز که بروند و برگردند چند
قرانی تحصیل کرده مراجعت میکنند قوه اداء وجه
تذکره را ندارند و بسیاری بریشان و قیرند - و هم
چنین خیلی مسافرین از داخله بداخله اند که تکلی قوه
اداء وجه علم خبر را ندارند -

لذا اجتماع کرده مانجس اباتق بوشهر شیدالله قوا
که از غره حادی امانیه موافق قانون انتخابات سعی و
اهتمام حضرت مستطاب ملا دالامام مروج الاحکام
شریعتدار آقای آقا سید اسدالله مجتهد حرقانی دامت
برکاته تاسیس کشته شکایت نمودند و بریشانی خورد را
اطهار داشتند که ماها قوه وجه تذکره را داریم
از انجمن محترم به مدیر كرك اخطار شد مابسه تذکره
مردوران معمول بوده چند سال قبل هم این ماده
عوان بود بطهران اطهار شد حکم مانی از مشیرالدوله
مرحوم رسید حالا هم باید تجدید این مدت شود
موسی ایله جواب داد من در احرای حکم مدیران

مجبورم مزدوران دوباره اجتماع کرد، ماجر رور
سه شنبه دهم از انجمن متدس اخطاریه برای مدیر
كرك فرستاده شد که رور چهارشنبه انجمن
فوق الساده مدقده است برای اصلاح عمل مزدوران
رور مرور ساعت مقرر مدیر كرك حاضر شد
حاج مستطاب شریعتدار آقای آقا سید اسدالله مجتهد
حرقانی دامت برکاته ما مستر لولو مدیر كرك در ماده
مروره سوال و جواب کردند، اول به میرا موسس
حاضر مترجم فرمودند آنچه من میگویم مدقده ترجه کنید
که مقصود من واضح شود - ما محض مطلب ایسه که
مستر لولو بگویند سه سال است دولت ایله ایران برد
دول عالم مشروطه و (کستی توسیون) مرش شده
و دو سلطان دستخط مشروطیت داده که جزء قانون
اساسی اصل و متمم آن را امضاء نموده اند و با اتصال
قهری دارالشورای حقوق مشروطه ملت مامله گشته
و لازمه مشروطیت است که بعضی از امور مشترکه
و جهات عامه، نامضاء و تصویب دارالشورای کبری و
مجلس سنا باشد. و بعضی از آنها تصویب دارالشورای
نقطه - و از آن جمله است امر مالیه که كرك و تذکره
هم جز آن است زیرا که مالیات و كرك و تذکره بولی
است که از انرا دملت گرفته میشود، واردات و
صادرات و کم و کین و مصرف آن باید تقلا و تدلا

هم همین نحو مقرر یافته است ، و میدانم فرض شما منافع دولتی است ، لکن باید ملاحظه کرد که منافع دولت اعم بر اضافه دخل و یا تملیک خرج تا آدرجه ، که مستلزم فساد باشد بشود ، و چون ما تا کمال دقت و امانت در اجرای این حکم ملاحظه مانده میکنیم و سابقاً هم اردارالشورای کبری در این ماده حکمی صادر شده و بعد از دستخط ۱۸ رجب امان هم دارالشوراء هنوز تشکیل سانه و حکمی صادر نگردیده باید ایجاب که کان باشد -

مستر لالو مدیر گرو - جواب داد ، که چون دستخط من و سبب صادر شده و وزراء مسئول حکمشان حکم محکم و حکم داده من در مقام احراء برآمدم اگرچه ، رای شخصی و احکامات وحدان من احراء این عمل را رخصت میداد لکن چاره ندیدم جز احراء آن

جناب مستطاب شریتمدار جواب فرمودید بی ، حکم وزیر مسئول مطاع است در مواد راجحه اداره خودش ، این ماده من قانون اساسی جزء وصائب مخصوصه دارالشورای است و بر اردارالشورای احدی حق ندارد حکمی بدهد ، ولی اگر دارالشورای هم حکم میداد اگرچه عمل بوطیقه خود کرده بود مع ذلک انجمن بوشهر محکم (الشاهد بری مالا بری المائب) حق داشت که این حکم دارالشورای را توقیف نماید ، و مرحله پریشانی و استیصال مردوران را بدارالشورای عرضه ندارد ، و تبدیل آن حکم و توقیف احراء آرا از دارالشورای کبری نخواهد چون اصحاء محترم انجمن مقدس برتر از شما مرفق نامه بحال فلاکت مردوران دارید احراء این حکم را مستلزم هیجان و مخاطره می بیند لذا شما را مخیر میکند بن دو امر .. یا آنکه تذکره مردوران و علم خبر مسارین داخله را اتوا داشته موقوف دارید که مانند سابق باشد که فساد می تواند بشود و یا آنکه نوشته بدهید که اگر فساد می تواند شد ربطی با انجمن مقدس ندارد -

مستر لالو مدیر گرو شق اول را اختیار کرده خیلی تریو کرد که بعد از اظهارات انجمن من دوست دارم که موافق میل شخصی خودم که ندادن تذکره باشد رفتار کنیم ، و خودم را از اجراء حکمی که

تذکره و مسافری از داخله بداخله از گرفتن علم خبر آسوده گشتند ،

جناب دریایی امیر تومان سردار چند روز قبل ما عده که تقریباً ۷۰۰ نفر تفنگچی و سرباز بود از بوشهر حرکت بطرف تنگستان فرمودند ، در غیاب ایشان ابتلاء الدوله کار گزار مرهم خارجه کمال اهتمام در امور حکومتی و داخله و خارجه دارند ، صبح تا شام در محل کار پردازخانه مشغول رسیدگی بر ایص عامه و اصلاح امورات و دادرسی بحال مطلوب من میباشد و اسباب امیدواری و تشکر عموم اهالی گردیده

بهترین سلام خوشبختی اهالی بنادر این نکته است یعنی اتحاد صمیمی رؤسای روحان و تجار محترم در انجمن مقدس و این نیست مگر از حسن نیت و توجه آقای آقا سید اسدالله مجتهد خارقانی و حسن سلوک و درست کاری کنونی دریایی (م. د. ح.)

تنگراف حضرت سردار اسد

(ارقم بهوشهر)

جناب حلاتباب دریایی حکمران بنادر دام اباله و اعضاء انجمن ولایتی دامت تائیداتهم - بحمد الله اردوی ملی با شکوه و وقار و نظم وارد اهالی شهر ما نهایت نشاط و مسرت پذیران و استقبال نمودند - پیش قراول اردو هم تذکره مأمور شد ، و انشاء الله تعالی با موافقت و اتفاق حضرت سپهبدار عازم طهران خواهیم شد - البته جناب اجل عالی و عموم اعضاء انجمن ولایتی در ترتیبات و انتظامات بوشهر و تمام بنادر اهتمام وایند ، خواهیید فرمود که ذره اختلاف و بی نظمی واقع نشود ، و انشاء الله تاکنون از شر زحمت و خرابکارهای سید مرتضی آسوده شده اید و رفع فتنه و فساد او را فرموده ، مستلزم از اخبار ولایت و انتظامات آنجا خادار این خادم ملتخواه را مسبوق و مسرور بدارید - (علی قلی بختباری)

تنگراف اصمغان بوشهر

اردوی بختباری از منظره گذشته اقدامات فوسلر می بینند و ما اودت نمودند ، بموجب تنگراف رفت آن نیز مشهد از طرف تراول روس بختباریک حکومت ظلم و تعدی فوق العاده با اهالی بخار

■

(جلد هفتمین کلکته)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABLUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

(مدیر کل مؤبدالاسلام است)

(هر دوشنبه طبع)

(و سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

(۱۱ رجب ۱۳۲۷ هجری)

(مصادف با)

(۲۶ جولای ۱۹۰۹ میلادی)

و کلا حق اخذ ابره بدون قبض ندارند و تا وقتی که
(مقربین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نباشد)
(دمتشان بری شناخته نمیشود)
ناه مقدسه

المنتانک

سنه ۱۳۱۱ هـ

مراسلات خصوصی بدون امضای

(موروف اداره درج نمیشود)

(قیمت اشتراك)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و بره)

(۱۲ روپیه — ۷ روپیه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ مات — ۶ مات)

در این حریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و مباح دولتی و فواید مانی بخت میشود
(مطالب عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

اعلیحضرت شاه سلطان احمد شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران خلدالله ملکه و سلطانه



(بمخرج الحی من المیت)

شرح زندگانی این شاهنشاه معصوم این است که سیزده مراحل زندگانی را طی و در
ذیحجه ۱۳۲۴ به ولیعهدی دولت ابد آیت ایران منتخب و جمعه ۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ پس از
خلع محمد علی میرزا به شاهنشاهی ایران از جانب ملت تصدیق شدند. بنا بر قانون اساسی
تا اختتام سال هفدهم عمر مبارکشان متصدی هیچ امری از امور مملکتی و دولتی نتوانند شد
امیدواریم که در ظل تربیت مجلس مقدس ملی برخلاف پدرشان پادشاهی مشروطه دوست
وطن پرست با دیانت ترقی خواه بار آیند

من ان يشكر الناس لم يشكر الله
 زنده باد آیات الله خراسانی و مازندرانی حافظین
 بیضه اسلام و مقبای سلطنت شیعه ،
 زنده باد سپه اراعظم و سردار اسد نگاهدارنده
 استقلال سلطنت شش هزار ساله ایران ،
 زنده باد صمصام السلطنه و ستارخان بلند کننده
 نام نیک ایرانیان ،
 زنده باد خرمغلام الساطه ،
 زنده باد مزالسلطان ،
 زنده باد باقر خان سالار ،
 زنده باد اقتدار السلطان و . و . و . و .
 سرداران دایر ملی و سپید دازنده گن روی ملت
 ایران . یابنده باد فداییان شیور آذربایجان . یابنده باد
 ایل جلیل بختیاری . یابنده باد مجاهدین غیرتمند شجاع
 گیلان و ایرانی نژادان قفقاز . یابنده باد حریت پروران
 عالم انسانیت و قلم و مال و جان حمایت که ما را بدم
 و . و . و . و . و . و . و . و . و . و .
 بمحقوق وطن سوگند که اگر ایرانیان تا دامنه
 قیامت تشکر از این وجودهای با نمود نموده « که
 محسنتشان بر این آب و خاک و این ملت و دوات
 سمت رسیت پیدا کرده » از عهدۀ عشری از اعشار
 احسانات ایشان بیرون نتوانند آمد .
 بوجدان انسانیت قسم که استقلال ایران رفته بود .
 سلطنت شیعه خاتمه پذیرفته بود ، آزادی شش هزار
 ساله ایرانیان را وداع گفته بود ، آیا لشکر کشی
 روس در کاپه حدود آذربایجان مستور است ؟ آیا
 تصرفات حکومتی روسیان در ارض اقدس رضوی
 پوشیده است ؟ قشون فرستادن همایکان در کاپه بلاد
 بر احدی مشابه است ؛ سکوت انگلیسان « که مایه
 داگری ایرانیان بودند » در اجحافت روس بلکه
 شرکت باطنی آنان به تصرفات غیر جائزه او دال نیست
 بر اینکه آنها هم منتظر وقت بوده که اگر ایرانیان از
 محافظه حقوق و وظیفه خود عاجز مانده نتوانستند روسها
 را پیش پای خود به نشانند ، همان مسلک را قدم
 بدم در جنوب ایران اختیار نمایند ؟ در آن صورت
 حال ایران لازم باندک تصور است
 همچو تصور نشود که ایران مانند مصر می شد ،
 چه مصر را تجزیه نکردند ، ملیت مصر بر باد نرفت ،
 نه تجزیه که برای ملک و ملت ایران کشیده

شده بود اضمحلال ابدی ما را ثابت می نمود ، چه
 حصه بزرگ ایران را روس مستلک می ساخت ، و
 بعضی را انگلیس ، و آن جزئی هم که برای نام باقی
 میگذارند منذب مانده ناچار در میان این دو فشار
 ملیت خود را از دست داده بر سلطنت شیعه خاتمه
 میدادند
 هیچ لازم به بیان نیست که ما شرح حال
 ارباب مذاهبی را بیان نمائیم که دارای سلطنت مستقله
 نمی باشند ، ملت یهود با آن جمعیت و ثروت و
 علم و تمدن یکی از شواهد ثابتۀ ماست ، آرامه با
 آن فداکاری و علم و دانش و تربیت و تجارت
 بزمردکی و زوالشان لازم به بیان نیست ،
 اینکه بگویند دول اروپا دخالت در امور مذهبی
 رعایای خود نمینمایند باید شنید و باور نکرد ، حالت
 مسلمانان در مملکت متوحه آنها بر احدی پوشیده
 نیست ، چه شد مساجد (اندلس) کجا رفت مدارس
 (قرطبه) ؟ حالت مسلمانان جزیره های بالکان چیست ؟
 روحانیت اسلام در هند و قفقاز و تونس و الجزائر
 و غیره و غیره چه میباشد ؟ ملبونها که از ارباب
 مذاهب دیگر جلب بدائرة عیسویت نموده اند بر هیچ
 صاحب حسی پوشیده نیست ، و درین راه ملبارها
 صرف مینمایند ، مدارس مجانی باز میکنند ، بیمارخانه
 ها میکشایند ، کتب مطبوعه مذهبی تقسیم می کنند ،
 پول میدهند ، حمایت میکنند و . و . و . و .
 فرق اینست که یا توپ و شمشیر نموده با پول
 و جلب قلوب کرده ، بسرداری جنرل و کرنل
 نشده بریاست کشیشان شده است ولی نتیجه مطلوبه که
 اضمحلال مذاهب دیگران است حاصل مینمایند و این
 نتایج را بیشتر از مملکت متوحه خود حاصل کرده اند
 که قادر بر هیچ گونه مارضه با آنها نیستند
 پس باید بحقیقت گفت که این وجودهای
 مقدس علاوه بر سایر حقوق حافظین دین و مجاهدین
 فی سبیل الله اند ، مقام شهداء شان از سایر شهدای
 اسلامی کمتر نمیباشد ، ما راست که مانند بزرگان
 سلف ستایش و درود بر ایشان فرستاده یادگار یکان
 یکان این ذوات محترمه خاصه شهداء راه دینانیت حقه
 و استقلال وطن را قائم نموده ، هماره بذكر جلیل شان
 رطب اللسان باشیم
 حضرت سپه دار اعظم و سردار اسد و ...

سرداران ملی و مجاهدین بخقاری، و فدائیان گیلان در قلع طهران جو دتی بخرج داده، و کیاستی از ملت ایران بر عالیشان آشکار داشتند که در هیچ تاریخ نظیرش دیده نشده، شجاعت و دلاوری ابراز دادند که خط بطلان بر چهره جمیع شجمن رواییونهای سلف کشیدند

جوانان بیور ترك یعنی برادران با شهامت ما عثمانی در آخرین رواییون اسلامبول که منجر به تبدیل سلطنت شد با اندازه جستی و جابگی و شجاعت و سیاست بخرج دادند که خط نسخ بر صحنه اقدامات جمیع رؤسای رواییونهای سلف کشیده دوست و دشمن را معترف اقدامات جانانه خود قرار داده همه يك زبان گفتند که هیچ رواییون تا کنون باین جستی و جابگی حس خاتمه نه پذیرفته بود، و در هیچ تمیر سلطنتی تاریخ نشان نمیده که باین درجه کم خونریزی شده و بعد از آن باین سرعت امنیت در تمام مملکت حکم فرما شود در حق برادران عثمانی ما سخنی بسزا و اصصا سروده بودند

ولی درین وقته رواییون ایران که منجر به تمیر سلطنت شد تمام اروپائیان را مات و متعجب در حرکات جانانه خود ساخته بالاتفاق میگویند که حضرت سپهدار اعظم و سردار اسعد و سایر سرداران و سالاران ملی و فدائیان ملت دست بالا را اختیار نموده اند، چه مؤسس رواییون اسلامبول بهرین قشون عثمانی بود که با ساز و برگ تمام و طباً بواسطه راه آهن و آمادگی اسباب حرکاتشان کسب سرعت نمود و دول خارجه را در امور داخله عثمانی هیچگونه تصرفی نبود و لشکریان دو هسایه در خاکشان منتشر نموده و حواس رؤسای ملی را براگنده نموده بود، و از بلاطین عظیم الشان احدی عبدالحمید را یار و معین نگردید، ممالک عثمانی مثل ایران مانند دریا متلاطم نبود - بدالحمید علناً مخالف نگشت، و رجال عثمانی خود را ضد شروطیت ظاهر نمیکردند، پارلمان عثمانی دانه و ولیمهد احرار دساز بود و ادارات و وزارتخانههای منتظم داشتند، ممالک از روزی که با قوای قویه و اردوی معظم سلانیک وارد اسلامبول شدند تا وقتی که خلع عبدالحمید را اعلان دادند يك هفته کامل خول کشید، و بعد بیاری هم از طرفین بتل رسید

اما بر ایران، با اینکه دو دولت بزرگ هسایه علناً

باسم وساطت ذات البین مانع از حرکات سرداران ملی بودند، و محمدعلی با جمیع قوا مستعد مدافعه و مخالفت، و کابینه بلاد از انقلاب مانند دریا متلاطم و هیئت دربار صد ملت و قشون همسایگان در داخله مملکت سرآ و علناً به تهدیدات ملی و رؤسای مات اشتغال داشته، حتی برای سرعویبت اردوهای ملی لشکر خود را در پای تخت (یعنی قزوین که دروازه طهران است) وارد کردند، با نبودن راه آهن و اسباب نقلیه و تهیه کافی برای اردوی ملی و نداشتن پارلمان و ادارات و وزارتات منتظمه و بودن ولیمهد در قبضه شاه و نابالغی آن و لزوم تعیین نایب السلطنه و و و و ۲۵ ج ۲ وارد طهران و ۲۷ به میدنت و مبارکی از انعقاد مجلس فوق العاده و خلع شاه و صب ولیمهد و تشکیل حکومت موقتی و برقراری امنیت در شهر پای تخت و سایر بلدان و حفظ مال و جان خارجه مقضی المرام و فارغ گردیدند

حس انتقامشان ازین نکته بخوبی ظاهر تواند شد که درین گیر و دار آبی از مخابرات کتی و تلگرافی داخله و خارجه علت نداشتند، و هر تلگرافی که بایشان میرسید با کمال اطمینان قلب بدون تأخیر وقت با منتها درجه ماتت جواب میدادند، و هر نقطه هم تحریکات لازمه را میفرمودند

در مدت ۳ روز انجام این همه امور مهمه و ندادن هیچ بهانه بدست همسایگان هسایه حو غیرالعقول بلکه خارق العاده باید گفت، و نمیتوان در تاریخ رواییونهای عالم که تا کنون شده نظیری برای حرکات سپهدار اعظم و سردار اسعد پیدا نمود

اهم برهته این امور این بود که اردوهای ملی قشون متق دیده دوات را که دوازده هزار، و دو طلب (رحاله) یازده هزار با دو هزار و باصد قزاق و ژاندرام و پلیس و توپچی که روی هم رفته سر به بست و هشت هزار میزد با آن همه ساز و برگ و توپهای کروپ و مکیم بیک جنبش غیورانه محصور و مجبور به تسلیم نمودند و چنان راه را بر آنها بستند که جز محمدعلی و چند نفر دیگر (که آنها عمدا بود) نگذارند احدی از آنها فرار کرده یا در سارت خانه های اجنبیه پناهنده شوند -

از همه اینها بالا تر چندین هزار قشون ملی معتدله النیبه و الاخلاق که از راه های دور و دواز

آمده و دور طهران پره زده و متجاوز از دوازده هزار وارد شهر گردیدند ، بقدری در اغراض متحد و بدرجه تحت امر و فرمان سرداران جلیل القدر خود بودند که نگذارند يك خلال از دوست و دشمن شایع گردد ، و يك پرگاه در خارج طهران از کسی بسرقة رود و مادعوی می نماند که در این کار گذاری قشون ملی ایران گوی مسامتت از قشون تربیت شده تعلیم یافته دول معظمه ربودند ، در حقیقت خارج از تصور است که چهل هزار قشون دو طلب ملی وارد شهری شوند و يك دکان غارت رود و يك خانه سرقت نشود ، علت عمده این بود که نخبای قوم و شرثای ملت که حب وطن را مجبول بودند غرضی جز استقلال سلطنت ملی نداشتند ، و اردوی حب وطنی سر بکف گرفته شامل در اردوی ملی گردیدند و بختياریان بخت یار که فتوای تاریخ يك ترین خون ایرانی در ابدانشان است در چنین موقع نازل جز این دست یابی از آنها احدی انتظار نداشت اعجب بر این ها اینست که قشون دولتی را که مانند اصنهان و سایر بلدان مخصوصاً به غارت دکان و بازار خاصه دست درازی باموال اجانب مأمور داشته بودند تا بهانه بدست خارجیان او قند (مهلت ندادند خلای از مردم به برند ، یعنی درین گیر و دار دوازده هزار دزدان دولتی را هم نگاهبان نموده از دزدی باز داشتند ، و بلا حرف این بزرگترین تدابیر سرداران ملی بود که بمجرد ورود بطهران دو سردار با عده از مسلحین نمره اول را بمحافظه سارتخانه ها و حفظ مال و جان خارجه کاشته و يك حصه عمده قشون ملی را هم بنظم شهر و حفظ اموال ملت از دست برد قشون رسمی دولت مأمور نمودند و سایرین بمهاجه پرداخته ، چنان جمله مردانه بر قشون دولت نموده که تصورات دزدی از سرشان بدر رفته خود را هم فراموش کردند ، و از این تدبیر ابواب سرقة و غارت را بروی لشکریان دولت که بدین آرزو يك سال هوا داری شاه را اختیار نموده بودند بسته ، و راه بهانه را هم بر اجاب خصوصاً روس سدود داشتند ، و این واقعه فوق تجید و تربیت است برای اردوهای ملی که در هیچ رواییون تاریخ نظیرش را نشان نمی دهد ،

عجب تر آنکه ما این مصادمه بزرگ نه تنها

قشون ملی را تلذات انگشت شمار بود بلکه قشون دولت هم بسیار کم خساره یافت ، یعنی حرکات اردوهای ملی بتسی شدید وسخت و مددش و موخس بود که قشون دولتی بی اختیار دست و پای خود را گم کرده تسلیم شد ، و لیاکوف و قزاقان او که کوس شجاعت و جوانمردی در تمام ایران میزدند بيك جمله اردوی ملی سر از پا نشناخته خویشان را تسلیم کردند (یاد دارم لیاکوف در اولین مرحله که حضرت سپه دار اعظم مستد جمله بطهران شده و سرای روس و انگلیس شان مانع آمدند بمخبر روتر اظهار داشته بود که هزار و پانصد قزاق و بن شش هفت هزار قشون و فلان مقدار توب و قذک و قورخانه موجود است ، و این قوه برای مدافعه اردوی های گیلان و اصنهان کافی است) و حال آنکه درین مدت دو ماه دولت چهار مرتبه بر قوای خود افزوده بود ، و قشونیکه دور تبریز بودند تمام جلب بطهران شد ، معذالك سرباز که سهل است لیاکوف و قزاقان او تاب يك جمله مجاهدین را نیاورده با کمال بی شرفی تسلیم شدند و این نکته عقل و فراست و علم و تدبیر جنکی لیاکوف را که در ایران معلم اول بود بخوبی بر عالیشان آشکا را ساخت دو تدبیر دیگر هم حضرت سپه دار اعظم و سردار اسد فرمودند که اصلاً فوق تصور تمام وطن خواهان دامای خارجه و داخله بود

اول برقراری قزاقی پس از تسلیم شدن و سپردن سلاح زیر حکم لیاکوف که تحت امر وزیر جنگ باشند

اثرات این امر در عوالم سیاست و پلتیک پیش از آن است که ما بتوانیم بیان کرد ، ازین حرکت زبان روس را بسته ، و ذمه داری انتظام شهر را هم باو سپرده ، بی غرضی و عدم عداوت ملت خود را هم با افسران روسی بر عالیشان آشکا را داشتند دیگر تین عضد الملك بنایب السلطنه کی ، درین نحوین اخیر همت عالی ابراز و فی واقع نفس کشی خود را بر عالیشان آشکار نمودند ، و جمیع تصورات جراند خارجه ها را باطل ساختند ، و اتحاد اما قیبه بین این دو سردار جلیل القدر ملی نمایان گردیده جمیع جراند فرنگ را به تمجید و تریف مجبور داشته و نام ایرانی را بلند سکردند یکی از جراند در بحق این

زبان منویسد و حالا میتوان گنت که در آسیا هم
بدمان بی غرض که دارای حب وطن و عاشق ترقی
ت خود باشند یافت می شود .

حرکات تاریخی و صناعات میر العقول حضرت
به دار اعظم و سردار اسد ملوکاری های یکصدوسی
له تاریخ آل قاجار را شست و شو نمود . و ملت
بب ایران را به تمدن و شجاعت و بردباری در
سر فرمودند

جناب عضدالملک نایب الساطنه موقی رئیس ایل
بار و از سال خوردن مجرب و مشروطه خواه
ار است چنانچه قبل از انهدام مجلس عضدالملک
: صده بنجد علی گنت اگر زاید بر این از
مخانت با مشروطین در آن تو را از تحت بزیر
رده و ایامدت را می شایم . و مخصوصاً این نکته را
ابوبوک مقرر است . امرا و شاء ادگن قبل از
دام مجلس در خانه عضدالملک برخلاف دربار تشکیل
س نمودند . و محمد علی عضد الملک را در مانع شاه
سرما توقیف نمود . چون امروز شیخ آل قاجار
و محترم ترین این سابه و محل اعتماد ملت هم هست
موقتاً موزون ترین رجل رای نایب الساطنه است

منصاه تا کنون عراق دایه سرداران ملی بوداند
تمام مقرون بصواب و عقل و بهر از آن را احدی از
دامان تجویز نموده است . لویا این دو وجود محرم
چندین بار بدینا آمده و تجربه حاصل کرده اند
این نکته نیز پوشیده نماند که تا قبل از حمله
عرب بر عجم ایرانیان بر حسب اقتضای وقت بسیاری
از سلاطین ناقابل خود را خلع نموده . و خلع سلطان که
لخاصه از طرف ملت باشد با تالی ضرور دانشمدان از
لخصائس بیداری حس ملی است . یعنی تا ملت دارای
حسن حقوق طلبی نشود اقتدار خلع سلطان خود را
پیدا نمی کند . از وقتی که عرب بر عجم استیلا یافت
این حس که راجع بصوم ملت بود از آنها سلب
گردید . قتل پادشاهان در هر مملکت بسیار می شود
و در ایران رواج بوده است چنانچه نادر شاه ، آقا
محمدخان ، ناصرالدین شاه را هم درین دوره اخیر
قتل رسانیدند ولی آن قتلها یا راجع باغراض چند نفر
بوده و یا اگر مربوط بحس ملی هم بوده محدود بهمان
شخص یا اشخاص بوده است ، ولی خلع پادشاه آنهم
بقوه ملت در زمانه مشروطیت صورت می گیرد .

عامه است .
بالجمله از خلع محمد علی باین وضع مرذوب میتوان
گنت که پس از هراز و سیصد واند سال از برکت
و همت سرداران ملی دوباره آن حس موزون که
عبارت از عدالت خواهی و حقوق طلبی است در ملت
ایران عود نمود . و حالا میتوان ازین و بعد
به ترقیات ملی ایران امیدوار گردید . و این شرف
دیرین را در ملت ایران عود نداد مگر خدمات و
جان نشانه های حضرت اشرف سپه دار اعظم و سردار
اسد که خدایشان در حفظ و پناه خویش نگه دارد
که بدون شایه اغراق درین دوره اخیره مانند این
ذوات محترم عقلاً و تدبیراً همتاً و حیثاً شجاعتاً و
ساحتاً در خاک وطن عزیز ما پیدا نشده وحی دارد
ایرانیان خود را از ظلم و رقیت آزاد شده ایشان
بدانند که آنها را از موت پلئیکی رهانیده حیات
سیاسی بحیثیت دادند . ملت ایران راست که در هر فریضه
از بن حن و بیخ دندان رهساران باشد که زنده باد
سپه دار اعظم و سردار اسد حافظ حقیقی استقلال ایران

بدون شبه ملت ایرارا و دافع آمریزری نیاز
دیروز است امروز حیثیت سلطنت ملیه را ایرانیان
داراید . پادشاه شان اعم از اینکه مسئول است مصوم
هم میباشد . نایب الساطنه دارای هیچ گونه مقدرتی
نتواند شد که بر فرض تجاوز بتواند عینی در پیشرفت
متناصد ملی پیش آرد ، نایب الساطنه حافظ مهر
سلطنت و در معنای دیگر رسی بعمل آمده است
قوای مجریه مملکت وزرای هشت گانه مسئول و قوه
مقتنه مجلس مقدس ملی و حاکم حقیقی بر قوه مجریه
فلاً هیچ گونه مانع برای پیشرفت ملت اسد مایه
متصور است . ازین رو و دانات کنون ملتبان مقتضی
امور ذیل است

۱- وظایف حکومت عارضی کنونی ایران
حکومت عارضی کنونی ایران را چند وظائف
عمده در پیش است که بحث و مشوره در آن از
وظائف ملیه است
اولاً بر قراری امنیت عمومی (که از تلگرافات
خصوصی و عمومی ظاهری می شود درین مقصد اعلی
حکومت موجوده نائل آمده اگر چه این امنیت
عارضی خیل قابل تحسین است) لایق اطمینان

توان قرار داد، امنیت جز بوه قاهره، حقی در
 تمدن ترین ممالک قائم نواند ماند، قبل از هر اقدام
 لازم است که حکومت حایه حکام کار آزموده
 با تجربه را در هر نقطه تداکراً مین فرماید
 (چنانچه مشهور است تداکراً ظل السلطان را بحکومت
 فارس نامزد نمودند) افلا پنج اردو در پنج مرکز
 با مهات آن تشکیل دهند

اول در آذربایجان - دوم در فارس - سوم
 در خراسان - چهارم در کرمان و بلوچستان - پنجم
 در کردستان و حدود عراق عرب - مهات و عده
 این اردوها در هر نقطه باندازه ضرورت آن مقام
 باید باشد، بر فرض که فعلاً حکومت قادر بر تکمیل
 آن اردو باشد، نباید بدون نوت وقت باید مهات
 حمل آورده پس در تکمیل آن بکوشد، و مصارف
 این اردوها تا این بودجه های هر وزارت خانه
 باید از عن مالیات قبل از جبه مصارف حراه
 دهند، مشروط بر اینکه قسمی تدارک شود که
 بدون وساخت صاحب منصبان مواجب اراد قشون
 ماه بام یا سه ماه سه ماه بآنها برسد، اگر در هر
 اردو چند هزار نفر با مهات آن موجود شود
 قطعاً برای نگاهداری امنیت کان تواند بود مشروط بر
 اینکه رئیس اردو و افسران آنها را از مردمان
 وطن پرست غیر راشی تعیین فرمایند، و این امر
 ابدأ مشکل نیست فعلاً لازم نیست مهات زیاد و اراد
 قشون از مرکز گسیل داشت بلکه به فرستادن یا تعیین
 کردن اشخاص صحیح کاردان در هر نقطه انجام این
 امر در کمال سرعت به سهوات تواند شد، و قبل از
 تشکیل اردوهای مذکور جداً باید امنیت طرق و
 بلاد را از اشخاص کان هر نقطه تداکراً خواست
 (چنانچه خواسته اند) و باید همه قسم تأیید از
 مرکز هم بآنها بشود، همینکه ما در طرق و بلدان
 امنیت قائم نمودیم گویا حفظ استقلال ایران را کرده
 خارجه را هیچ کزنه بهانه جز عدم امنیت بر ما
 نیست، سد باب این بهانه خارجه ما را بشدت ضرورت
 او نماده چه ما تا وقتی از بهانه جوش خارجه اطمینان
 حاصل نه نایم رسیدگی کامل بامور داخله خود
 نتوانیم نمودن، همین داریم حضرت سپه دار اعظم
 و سردار اسعد ~~خارجی~~ امنیت طرق و نظم بلدان را

را قبل انعقاد مجلس مقدس شورای ملی عذر خواسته اند
 دومین وظیفه حکومت حایه تصحیح قانون
 انتخابات است، انتخاب طبقات در ایران مزید ظاهراً
 نگردید، باید اصولی اختیار شود که مقتضای حال
 کنونی ایران باشد، انتخاب اعدادی خوب است و
 امتیاز فضلی و ثروت هم باید لحاظ شود، ولی بقسمی
 که هیچ یک از اولاد ایران از داشتن یک رأی در
 انتخاب وکیل محروم نماند، نهایت صاحب فضل یا ثروت
 دو رأی، و صاحب ثروت و فضل سه رأی دارا
 باشد و این ضروری بهیچ امر وارد نمی آورد

شک نیست که انتخاب اعدادی قدری دیر می شود
 نسبت طبقات، ولی طبقات مورث مناسبت که
 اعدادی نیست چنانچه احساس نمودیم، درین موقع
 هر گاه چند روزی انتخابات دیر شود (بشرط اینکه
 خوب شود) بهتر، و خلی هم در اطمینان ملت واقع
 نمی شود، چه تصور تمایل و تسامخ نمیرود، و غرض
 بهتری است، هیچ تغییر و تبدیلی در قانون انتخابات
 نباید بشود جز به مشوره حجج اسلامیه و انجمنهای
 ایالتی و ولایتی، اشد ضرورت دیگر هم این است که
 قانون انتخاب باید حاوی بر وضع انتخاب وکلای ایلات
 باشد و جدا باید سعی نمود که وکلای آنها انتخاب شده
 در مجلس مقدس شامل شوند

وظیفه وکل و موکل

شاید کمتر کسی از ایرانیان یافت شود که از
 خرابیهای سابق مجلس مقدس واقف نباشد، نثار بر
 اینکه دشمنی مانند محمد علی برای مجلس مقدس که
 تمام همتش مصروف اهل مجلس و اعدام مجلسیان بود،
 خیرخواهان که واقف از خرابکاریهای برخی وکلای
 زشت طینت بودند محض اینکه مزید بهانه او نشود
 ساکت ماند، بودند حالا مانی بحمدالله در کار نیست،
 و دشمنی در جلو نداریم

لذا باواز باند میگوئیم که سبب این همه واقعات
 ناگوار و قتل و غارت بی شمار بیسی محمد علی و
 رای بول و خیالات ظل السلطان، و ربع دیگر بی شرفی
 و بی علمی و طمع و رشوه گرفتن برخی از وکلای
 مجلس بود، و این نوائس که در وکلا تواند گردید
 فقط از عدم مطالعه موکلین آنها بود که ندانستند چگونه

قطر دائره ريش و كذاي كردن و قطر شكم يفي
هيولاي ظاهرا را ملاحظه كردند و اگر اندك مجلس
آواني و مهمل گوئي داشت ~~كه~~ نور علي نور
تصور ميگردند

كسانيكه داراي رأي براي انتخاب وكيل اند
بايد بدانند كه اختيار يك مملكت بزرگ و يك سلطنت
شش هزار ساله و چهل كرور نفوس ملت را محول بآراء
دويست نفر كه نامشان وكيل مجلس است مي نمايند ،
در حائتيكه دشمنان بسيار عالم قوي بجه دارند كه از
هيچ اقدای در اضحلال اين ملت فروگذار نمي نمايند
و حاضران ~~مليار~~ ميليارد ها صرف كنند چه قدر خدمت
ذقيقت و كار بزرگ و وظيفه اهمي است كه بيك نفر
وكيل سپرده مي شود

ازين رو بايد با كمال دقت و ملاحظه در انتخاب
وكيل رأي خود را ظاهر دارد ، بارها نوشته باز هم
تكرار مي نمايم هرگاه بزرگترين دشمنان شخصي آنها
ابل الوكاله باشد نبايد در دادن رأي بهارف او دريغ
مايند . و اگر برادر عزيز و فرزند صليبي شان را بيني
و بن الله قابل الوكاله ندانند . نه ايكه بايد رأي بطرف
او ندهد بلكه بايد مانند دناع از حقوق عينييه شخصيه
درين حقوق نوعي با شخص غير قابل الوكاله ممارسه
نمايد ، اين حقوق نوعي راجع بانفراد است كه شخص
رأي دهنده نيز در آن عينا شريك است

هرگاه اين دوره كوشش شود كه داراي
وكلاي خوب بشويم ، بدون حرف كار يك ماه را يك
روز از پيش توابع برد ، و باتبع داراي وزارتخانهاي
صحيح و وزراي خوب هم خواهيم شد . و اگر خدای
ناخواسته وكلاي مان مانند سابق و مجلس حكم يك
مجلس بي ترتيب روصه را داشته باشد ، يقين بايد كرد كه
استقلال ايران خانه پذيرفته است و يك لكه بالايي
تاريخي براي هميشه بروي ملت ايران گذارده خواهيم بود
و تصديق خواهد يافت نكارش دشمنان ايران كه سه سال
است مينويند ايرايان قابل منروطه هستند ، در دوره
اوليه عيوب وكلاي مارا عناد محمد علي و تابمين او پوشايد
اين دوره تصور وكلا را نيمتوان بگردن ديگري گذارد
چه در حقيقت هست و نيست مجلس است ، نايب السلطنه
بي اقتدار محض است وزراء مسئول مجلس اند ، بعبارت ساده
آنچه هست ، و نيست مجلس است و اگر مجلسيان درين
دوره لياقت و قاطعت نداشته باشند ، امانت داده

دشمن معرف آنها خواهند شد . و ايرايان خود را
براي مقامي منيع تر برعاليان معرفي خواهند نمود ، و ربه
با اين همسايگان براه حوكه همه مي شناسيم استقلال ايران
را مخاطره عظيم در پيش خواهد آمد

حالا درست بايد دقت كرد كه وكالت چه كس
عديبي است مجلس فاتحه خوان و بلو خوري است ،
قطر شكم و دائره ريش دركار ندارد ، قبول نميخواهد
مزراع متدده و نو ~~مكرر~~ متدده هم لارم و ملروم
او نسبت . اين وكالت چه ميخواهد

وكالت اطلاع از سياست عام ميخواهد . واقف
از چگونگي داخه ميخواهد . بي عرضي ميخواهد .
حق وطن ميخواهد و وكيل كه پارت يك هيئت باشد
اعم از خارجه و داخه بدر مجلس ملي دوا است مرا
شرم مي آيد كه پارت باريها و پول گرتدای وكلاي
سابق را از مدعيان داخل و حرج مجلس بيان نمايم
بايد دقت كرد . جراع گرفت بدو در روايي شهر
خود اشخاص قابل الوكاله را پيدا نمود اگر از شهر
خود بيايم از شهرهاي ديگر ايران انتخاب مايم و عمرگه
شخص ايراني قابل الوكاله را در اقضا بلاد حرحه يا تيم
بهر وسيله است او را جلب كنيم سهر شود كار خيلي
داريم كار دان نيست بايد فكر كردان كرد نا وقتي
كه قرار عديبي براي وكلا از دولت داده شود مصارقه
وكلاي خود را اعالي هر بلده بايد متحمل شوند . آنچه بای
ولايي و ايالتی و حراند داخه راست كه رسيدل احكام
و تفصيل بطريق عموميت اشخاص لايق الوكاله را با اعالي
مملك و ارباب رأي مري كاي نموده در ورقه هاي
متعدد براي اصلاح همه اعلان دهد

مثلاً اگر مجلس بوشهر مرفي صد نفر از
اشخاص لايق الوكاله را اعم از داخه و خارجه باسمه
و رسمه بايد و از حالات آنها مردم را واقف بايد
مزيد و اصلاح عامه ميگردد و بديهي است كه حيداً
قلوب بطرف هن اشخاص لايق الوكاله معطوف خواهد
شد . و اين امر بايد فقط محض تذكره و اطلاع و
خارج از رسميت باشد ، درين صورت گمان ميرود
بصف بشر از وكلا از اشخاص صحيح انتخاب شرد
و اگر درين دوره نصف بيشتر وكلا از مردمان
صحيح انتخاب كردند اميد است كه رها خيلي بشارت
كند و در دوره آتیه بهتر شود . تو خود حديث
منصاحه بخواند از اين صفا